

رهبر معظم انقلاب در پاسخ به نامه‌های جمعی از دانشجویان سراسر کشور بر اراده و احساس مسئولیت برای ساختن آینده تأکید کردند

رشته اتصال هم عهدی



حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدمجتبی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، در پاسخ‌به نامه‌های جمعی از دانشجویان کشور که طی ماه‌های اخیر برای معظم‌له ارسال کرده‌اند، عزم و اراده و احساس مسئولیت آنان برای ساختن آینده را رشته اتصال «هم‌عهدی» میان رهبری و جوانان دانستندو بر مجهز شدن به سلاح علم و ایمان و تهذیب‌نفس و تلاش مضاعف برای افزایش قوت و اقتدار ایران تأکید کردند.

متن پاسخ رهبر معظم انقلاب به این شرح است:

باسم‌تعالی

سلام به فرزندان عزیزم؛

نامه‌های پُر مهرتان را خواندم. از الطاف فراوان شما دانشجویان جوان و پرانگیزه متشکرم و برای همه شما که حقی بر گردن اینجانب قرار داده‌اید، دعاگوئی خاص خواهم داشت. در نامه‌های شما و بسیاری از جوانان و دانشجویان که این حقیر را مورد لطف و محبت خود قرار می‌دهند، عزم و اراده و احساس مسئولیت برای ساختن آینده می‌درخشد. این میثاق محکم، امانتی گران‌سنگ است که ریشه در مکتب اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و میراث خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید اعلی الله مقامهما الشریف داشته و رشته اتصال «هم‌عهدی» ما با یکدیگر است. برای این مقصود، هر چه می‌توانید خودتان را به سلاح علم و ایمان و تهذیب نفس و انس با خدا و آشنایی عمیق با معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام مجهز کنید و با کار و ابتکار مضاعف بر قوت و اقتدار ایران عزیز بیفزایید تا به دعای مولای مهربانمان عجل الله تعالی فرجه‌الشریف، پیمون مسیر لشکریان هم‌عهد به سمت قله‌های پیشرفت و تمدن اسلامی ایرانی هر چه بهتر و سریع‌تر محقق شود، ان‌شاء الله.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای ۶/ آبان/۱۴۰۵

دیدگاه

جنگ در قامت صلح

محمد ولایی | تأکید رهبر معظم انقلاب بر ضرورت پایان دادن به وضعیت «نه جنگ، نه صلح» در دیدار اخیر با دبیر شورای عالی امنیت ملی، برداشت‌های متفاوتی را در محافل تحلیلی و رسانه‌ای برانگیخته که مستلزم نگاهی دوباره به این مفهوم است. رهبر شهید انقلاب نیز شهریور سال گذشته، سه ماه پس از جنگ ۱۲ روزه، در دیدار هیئت دولت چنین تأکیدی را از زاویه دیگری مطرح کرده بودند: «در عالم دیپلماسی حوادثی اتفاق می‌افتد؛ منتظر آن‌ها ننمایم و کارمان را انجام بدهیم... روحیه کار و تلاش را غلبه بدهیم بر حالت نه جنگ، نه صلحی که دشمن می‌خواهد بر ما تحمیل کند. یکی از ضررها و خطرهای کشور همین حالت نه جنگ، نه صلح است.» وضعیت «نه جنگ، نه صلح» فراتر از تعلیق میان دو وضعیت، ممکن است به فرسایشی‌ترین شکل جنگ تبدیل شود. وضعیتی که تهدید دشمن همچنان پابرجاست و کشور زیر سایه تهدید جنگ و تجاوزات پراکنده، هزینه‌های تهدید و محاصره را در اقتصاد و امنیت روانی مردم می‌پردازد. دورنمای آینده همچنان مبهم است و ظاهر آرام میدان، فتره‌رفته همه چیز را مهیای غافلگیری می‌کند.

تعویق چندباره انتخابات شوراها، زلزله در برنامه‌های مدارس و عدم قطعیت در زندگی مردم، تنه‌ای بخشی از پیامدهای این وضعیت است. طبیعی است که در چنین تعلیقی، تصمیمات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هم در معرض تعلیق قرار بگیرند و مسائل جدیدی را به مسائل انباشته شده قبلی اضافه کنند. مرور زمان حتی ممکن است اثر ابرارهایی مثل تنگه هرمز را کاهش دهد و افزایش حلقه محاصره، تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی را به چالش بکشد. این در حالی است که دشمنان ما با وجود همه ضرباتی که در جنگ متحمل شده‌اند، چنین وضعیتی را کمتر تجربه می‌کنند. آمریکا از میدان اصلی جنگ فاصله دارد و رژیم صهیونیستی نیز هم‌زمان با تهدیدهای مکرر به تجاوزات گسترده‌تر، در تلاش برای بازگشت به زندگی عادی بوده و به تازگی مهم‌ترین انتخاباتش را برگزار کرده است؛ دشمنی که هم امکان شروع جنگ را برای خود محفوظ نگه داشته و هم هزینه‌های تعلیق جنگ و صلح را به ما تحمیل می‌کند! شکی نیست که عدالت دشمنان عامل شکل‌گیری این وضعیت است؛ اما آنچه در مقام راهکار اهمیت دارد، متغیرهایی است که در اختیار ماست. چه‌سای روزمرگی‌ها و ملاحظات سیاسی به تداوم این تعلیق کمک کند. تصمیم نگرفتن در چنین شرایطی بی‌هزینه نیست؛ همان قدر که اقدام نادرست هزینه دارد. خلاصاً تصمیم‌گیری و فقدان ابتکار عمل هم می‌تواند فرصت‌های راهبردی را از بین ببرد. اما کشوری که قرار است در برابر فشارهای خارجی مقاومت کند، نمی‌تواند همه ظرفیت‌های خود را در انتظار تصمیم دشمن معطل بگذارد و آینده جنگ و صلح را به دست تقدیر بسپارد. باید با ابتکار عمل و اقدامات قاطع، برای پایان وضعیت «نه جنگ، نه صلح» تلاش کرد. روشن است که پایان این وضعیت در جریان این جنگ وجودی، با مذاکره از موضع پایین و امتیازدهی یا تسلیم و خواهش از دشمن برای توقف تهدیدها و ایجاد وقفه در درگیری‌ها صرفاً حاصل نمی‌شود. فرایندهایی که بدون حل مسئله، فقط به دنبال خرید زمان و تعویق بحران هستند با امیدواری دشمن به تهدیدپذیری بیشتر، سایه فشار و جنگ را همچنان بر سر کشور نگاه می‌دارند و هر مذاکره و صلح ظاهری را زمینه‌تهاجم بعدی می‌کنند.

این هدف به تعبیر رهبر معظم انقلاب، تنها با پیگیری تأمین حقوق و منافع ملت ایران و جبهه مقاومت میسر خواهد شد. یعنی در صورت تحقق شروط ایران که نتایج‌اش تنبیه متجاوز و رسمیت یافتن نظم جدید در منطقه، بدون حضور آمریکا خواهد بود؛ نظمی که به تهدیدپذیری کشور پایان می‌دهد و بازاندگی امنیتی‌اش سایه جنگ را از سر کشور دور خواهد کرد.

موازی با تهدیدهای آمریکا و رژیم صهیونیستی، تکاپوی همسایگان برای مدیریت تنش با ایران ادامه دارد

منطق منطقه مقابل جنون جنگ‌طلبان



هدایت جاوید | در فضای مبهم و خاکستری موجود،

آنچه در نوع مواجهه با جمهوری اسلامی ایران جلب توجه می‌کند، برگزیدن گزینه دیپلماسی توسط همسایگان در برابر تهدیدهای آمریکا و رژیم صهیونیستی است؛ رویکردی که از ترس دولت‌های منطقه از سرریز تبعات هر گونه ماجراجویی به کشورشان حکایت دارد. تهران سه روز پیش میزبان اعضای پیمان مکه بود. بسیاری این رویداد را مسیر ساخت ترتیبات جدید امنیت جمعی در منطقه تعبیر کردند. روز گذشته نیز گاردین از کار کردن کشورهای خلیج فارس روی طرح صلحی چندبخشی برای جلوگیری از جنگ آمریکا و ایران خبر داد. بر اساس ایده، تنگه هرمز باید حداکثر چهار روز پس از لغو تحریم‌ها بازگشایی شود و انصار الله نیز بخش قابل توجهی از نیروهای خود را در درون یمن عقب بکشد.

وقتی عمان هم از کوره درمی‌رود!

این روزها ترافیک مقامات دیپلماتیک منطقه به سوی تهران بانیت مدیریت تنش‌های موجود به اوج رسیده است. روبرتز هم‌مدعی شد میانجی گران‌قطری یکشنبه، پیش‌نویس توافق جدیدی را ارائه کردند که جمهوری اسلامی آن را در دست بررسی دارد و انتظار می‌رود تا پایان هفته به آن پاسخ دهد. پیشنه‌ها، یک جدول زمانی هفت روزه را تعیین می‌کند که به نگرانی‌های تهران و واشنگتن می‌پردازد و طرفین باید روزهانه اقداماتی را برای ایجاد اعتماد انجام دهند.

تلاش‌های منطقه‌ای برای خروج از بن‌بست در حالی است که اخیراً وزیر امور خارجه عمان به عنوان یکی از میانجی‌گران و کشوری که عموماً از جنبه صلح‌طلبی شناخته می‌شود، در مصاحبه با کانال ۴ انگلیس به مقامات جنگ‌طلب کاخ سفید تاخته است. بدر البوسعیدی با بیان اینکه از جمع‌بندی گزارش

آمریکایی‌ها چنین برمی‌آید که تأسیسات هسته‌ای بمباران شده و واقعاً نمی‌دانم اکنون از تهران چه انتظاری دارند، گفت: «مسیر تخریب و جنگ چیزی نیست که مردم خواستار آن باشند. ایران را رها کنید و بر یافتن راه حلی مسالمت‌آمیز و عادلانه برای مسئله فلسطین تمرکز کنید. این مسئله اصلی است.» وی با تأکید بر اینکه کشورهای خلیج فارس باید پشت فرمان باشند، تصریح کرد: «امیدواریم طرف‌های منطقه این درک را داشته باشند که جغرافیا آن‌ها را در کنار یکدیگر قرار داده و ایران نیز بخشی از واقعیت جغرافیایی است.»

همراهی منطقه با منطق ایرانی

همراهی منطقه با منطق ایرانی مقابل جنون جنگ‌طلبان نکته برجسته‌ای است. دیدگاه جمهوری اسلامی از همان ابتدا آن بود که امنیت با همکاری و مشارکت همسایگان محقق

گفت‌وگو

کارشناسان درباره چگونگی تحقق عبور از شرایط «نه جنگ، نه صلح» می‌گویند

مسیری در میانه میدان و دیپلماسی

که موجب شده دشمن شگفت‌زده شود و از این مقاومت انگشت حیرت به ندندان بگیرد.

تقویت پشتوانه درمی‌الزام مهم تصمیم‌گیری

دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی ایران هم با تأکید بر ضرورت تعیین تکلیف وضعیت نه جنگ، نه صلح، می‌گوید: خروج از این وضعیت به تصمیم‌گیری شجاعانه، استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی، تقویت اعتماد عمومی و حفظ اقتدار کشور نیاز دارد. مذاکره به معنای تسلیم نیست، بلکه ابزاری برای پیگیری

منافع ملی و پیشبرد اهداف کشور است.

سیدجلال ساداتیان در گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، تقویت پشتوانه مردمی را یکی از الزامات مهم تصمیم‌گیری در شرایط کنونی می‌داند و اظهار می‌کند: دولت برای پیشبرد سیاست خارجی و عبور از وضعیت نه جنگ، نه صلح، به اعتماد عمومی نیاز دارد. این اعتماد زمانی تقویت می‌شود که مردم از روند تصمیم‌گیری‌ها آگاه باشند و آثار سیاست‌های دولت را در زندگی روزمره خود احساس کنند. سفير اسبق ایران در انگلستان با تأکید بر ضرورت حفظ انسجام داخلی در شرایط جنگی می‌افزاید: نمی‌توان اجازه داد اختلاف نظرهای سیاسی به توهین به مسئولان، تشویش افکار عمومی یا طرح شعارهای تنش‌آفرین منجر شود. در شرایطی که امنیت کشور با تهدید مواجه است، حفظ انسجام داخلی و

می‌شود نه به صورت عاریه‌ای و گدایی از آمریکا. از این رو افرادی مانند «ژرار آرو» دیپلمات پیشین فرانسه، گرایش پایتخت‌ها به اصلاح سیاست برابر ایران را نشانه تغییر موازنه قدرت در غرب آسیا و حرکت به سوی خاورمیانه پس‌آمریکایی تلقی می‌کند. اما به نظر واشنگتن درس نگرفته‌وی بی‌توجه به خواسته متحدان منطقه‌ای، با طرح تهدیدها، در مسیر اشتباه گذشته پیش می‌تازد. دونالد ترامپ در سخنان اخیرش مدعی شده مذاکراتی با ایران در کار نیست. پیرو آن وال استریت ژورنال گزارش داد آمریکا به کشورهای حاشیه خلیج فارس درباره احتمال از سرگیری جنگ به‌شکلی کوتاه‌مدت ولی شدیدپس از انتخابات میان‌دوره‌ای اطلاع داده است.

به این روند، تهدیدهای نخست وزیر رژیم صهیونیستی را باید افزود. نتانیاهو که انتخابات پایه‌های لرزان قدرتش را نشان داد، تأکید کرده اسرائیل به همراه رئیس‌جمهور ترامپ، فرصتی بی‌نظیر و تاریخی در اختیار دارد تا خطر وجودی ایران را از بین ببرد. جالب‌تر اینکه در چنین فضایی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مانند همیشه جاده صاف‌کنی مدیریت تنش علیه کشورمان را بر عهده گرفته است. رافائل گروسی که ظاهراً دستیابی به کرسی مدیر کلی سازمان ملل متحد، چشم و گوش او را بسته، در تازه‌ترین اظهارات خود بدون اشاره به تبعات تهاجم به تأسیسات هسته‌ای، مدعی شد تهران با نهاد تحت امرش همکاری کافی ندارد! وی با بیان اینکه نیروگاه بوشهر تنها تأسیسات هسته‌ای است که آژانس به آن دسترسی دارد و بازرسی از مراکزی مانند نطنز، فردو، اصفهان و تأسیسات مرتبط با آب سنگین اراک انجام نشده، درباره وضعیت و محل نگهداری حدود ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده ۶۰ درصدی ابراز نگرانی کرده و بار دیگر از ایران خواسته به بازرسان آژانس اجازه دسترسی به همه سایت‌های هسته‌ای از جمله سایت‌های آسیب‌دیده در نتیجه تجاوزات نظامی را بدهد. گروسی به عنوان عمده غرب، نقش مهمی در تکمیل پازل ضدایرانی دارد. چنین نوع بازیگری در آغاز جنگ تحمیلی ۱۲ روزه مشهود بود تا جایی که شهید علی لاریجانی عملاً به این رفتار مخرب اشاره داشت؛ موضوعی که حالا برخلاف روندهای دیپلماتیک شکل گرفته مثبت منطقه‌ای، در التهابات زمان آمریکا و ایران دوباره به نفع رویکرد مورد علاقه ترامپ و نتانیاهو، در حال ظهور و بروز است.

جلوگیری از تشدید اختلافات اهمیت بیشتری پیدامی‌کند.

راه از میدان و دیپلماسی می‌گذرد

قائم‌مقام جامعه اسلامی مهندسین هم با تأکید بر ضرورت بهره‌گیری هم‌زمان از ظرفیت‌های دفاعی و دیپلماتیک برای خروج از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» می‌گوید: تقویت بازآراندگی نظامی و تبدیل دستاوردهای میدان به نتایج ملموس دیپلماتیک، می‌تواند ضمن صیانت از حقوق ملت ایران، زمینه پایان جنگ فرسایشی و کاهش هزینه‌های اقتصادی ناشی از بلاتکلیفی را فراهم کند. علیرضا خجستپور در گفت‌وگو با ایرنا، با تأکید بر اینکه این موضوع باید در دو عرصه میدان و دیپلماسی حل شود، می‌افزاید: نیروهای مسلح ما همواره آماده و دست به‌ماشه برای دفاع از کیان کشور هستند. ما هیچ‌گاه شروع‌کننده جنگی نبوده‌ایم، اما برای دفاع از کشور از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنیم. قائم مقام جامعه اسلامی مهندسین ادامه می‌دهد: این پیامی روشن از ایستادگی و دفاع همه‌جانبه است که باید به گوش طرف‌های مقابل برسد تا مطمئن شوند جمهوری اسلامی در این حوزه کاملاً قوی است و در صورت بروز هر گونه جنگ با تهاجم مجدد، پاسخ کشور بسیار سهمگین‌تر و پیشیمان‌کننده‌تر از دفعات پیش خواهد بود و رزمایش‌های اخیر نیروهای مسلح نیز در همین راستا برگزار می‌شود.

۲۵ درصد بالاتر از تخمین ماه ژوئیه،

بیش از ۸۹ میلیارد دلار برای جایگزینی مهمات مصرف شده و بیش از ۶ میلیارد دلار برای تجهیزات از دست رفته یا آسیب‌دیده برآورد شده است. ضمن اینکه هزینه ترمیم برخی پایگاه‌های آسیب‌دیده ممکن است در این محاسبه کامل نباشد. این ارقام، داده منتشرشده از اسناد پنتاگون است، نه حسابرسی نهایی تمام هزینه‌های جنگ. برای دولت ترامپ در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای سوم نوامبر، ادامه عملیات علاوه بر هزینه نظامی، بار سیاسی و اقتصادی نیز دارد.

نتانیاهو بدون اکثریت مستقیم

نتیجه اولیه انتخابات ۲۷ اکتبر اسرائیل نیز به ابهام سیاسی افزوده است. طبق شمارش اعلام شده در ظهر چهارشنبه، با احتساب حدود ۵/۸ درصد صندوق‌ها، اردوگاه نتانیاهو ۵۴ کرسی، ائتلاف رقیب به رهبری گادی آیزنکوت ۴۹ کرسی و احزاب عرب ۱۷ کرسی داشتند. برای تشکیل دولت در کنست ۲۰ انفره، حمایت دست‌کم ۶۱ نماینده لازم است. به این ترتیب نتانیاهو در شمارش فعلی اکثریت پیشین خود را از دست داده و با ائتلاف موجود نمی‌تواند مستقیماً دولت جدید تشکیل دهد؛ مگر آن‌که در ادامه شمارش یا مذاکرات

اعتمادسازی انجام دهند. این فرایند ممکن است از ابتدای هفته آینده آغاز شود و چند کشور نیز ضامن اجرای توافق باشند، اما ترتیب دقیق اقدامات روز اول تا هفتم و نام ضامنان منتشر نشده است.

گره اصلی؛ چه کسی اول اقدام می‌کند؟

برای فهم محتوای مذاکرات، باید پیش‌نویس تازه قطر را از پیشنهاد قبلی ایران جدا کرد. در طرح پیشین ایران، پایان حملات در جبهه‌های منطقه، رفع محاصره در یاری بنادر ایران، کاهش محدودیت‌های نفتی و آزادسازی دارایی‌ها در برابر بازگشایی هرمز و از سرگیری مذاکرات هسته‌ای مطرح بود.

گاردین دیروز گزارش داده ایران در یکی از پیشنهادهای در حال بررسی، بازگشایی تنگه ظرف چهار روز پس از رفع تحریم‌ها را مطرح کرده است؛ این عدد را نباید با جدول هفت‌روزه قطر یکی دانست. اختلاف اصلی همچنان بر سر تقدم و تأخر تعهدات است. ایران نمی‌خواهد اهرم‌های خود را واگذارد کند و بعد منتظر وعده رفع فشار بماند.

صورتحساب ۴۷ میلیارد دلاری جنگ

همزمان، روبرتز با استناد به برآورد داخلی پنتاگون اعلام کرده هزینه جنگ برای ارتش آمریکا از ۴۷ میلیارد دلار عبور کرده است. رقمی بیش از

گروه سیاسی | میانجی‌های قطری طرح تازه‌ای برای پایان جنگ ارائه کرده‌اند؛ هفت روز اقدامات متقابل و تضمین چند کشور. این پیشنهاد در حالی روی میز ایران است که هزینه جنگ برای آمریکا از ۴۷ میلیارد دلار فراتر رفته و نتانیاهو نیز در شمارش آرای اسرائیل اکثریت پارلمانی ائتلاف خود را از دست داده است. مسئله اصلی اکنون نه فقط توقف شلیک، بلکه تضمین پایبندی واشنگتن به توافق احتمالی است.

طرح تازه از دوحه رسید

رویترز به نقل از یک مقام مطلع گزارش داده میانجی‌های قطری روز یکشنبه پیش‌نویس تازه‌ای برای پایان جنگ به ایران داده‌اند. بر اساس این گزارش، ایران متن را بررسی می‌کند و انتظار می‌رود تا پایان هفته پاسخ دهد. قطر و پاکستان در ماه‌های اخیر کانال اصلی انتقال پیام‌ها بوده‌اند و پیشنهاد جدید پس از فرورویختن توافق موقت قبلی مطرح شده است. هنوز نه ایران و نه واشنگتن پذیرش پیش‌نویس را اعلام نکرده‌اند.

جزئیات هفت روز سرنوشت‌ساز

مطابق اطلاعات منتشرشده در روبرتز، متن جدید یک جدول زمانی هفت‌روزه پیش‌بینی می‌کند که در آن هر دو طرف باید هر روز اقداماتی مشخص برای

ی مع الواسطه از احمد و عباس و محمد آقا و محمود و حسن همگی برهان

ابتلای ۲۵ درصد بزرگسالان جامعه ایران دست کم به یک اختلال روانی

هزینه ترایی خرج اضافی است؟



داروخانه تماس بگیرند و بپرسند چه داروهایی در دسترس است و بعد نسخه بنویسند. این وضعیت بسیار نامطلوب است و ماه به ماه هم بدتر می شود. طبیعتاً فشارهای ناشی از این شرایط افزایش می یابد و بیماریانی که دیگر توان تحمل این وضعیت را ندارند، آسیب بیشتری می بینند. شریعت درباره جزئیات داروهایی که دچار کمبود است، به ایرنا می گوید: از داروهایی که دچار کمبود است، می توان به داروهای ضد افسردگی مانند ونلافاکسین، دولوکستین، سرتراپین و میرتازاپین اشاره کرد. داروهای آنتی سایکوتیک (ضد روان پریشی) طولانی اثر هیچ کدام موجود نیست؛ سه یا چهار نوع از این داروها را داریم که به صورت تزییقی استفاده می شود و در بازار وجود ندارد یا توزیع آن به شکل محدود صورت می گیرد. داروهای ضد اضطراب مانند بوسپیرون نیز نیدانمی شود.

همچنین داروهایی مانند پرفنازین، تری فلوئوپرازین، فلووکسامین و نورتریپتیلین دچار کمبود است و دارویی مانند کلومی پرامین که هیچ جایگزینی ندارد هم با کمبود مواجه است. شریعت درباره آسیب این کمبودهای دارویی نیز توضیح می دهد: درباره برخی بیماران ماهها و سال ها تلاش شده تا به دارویی برسند که روی آن ها جواب داده است؛ به طور مثال، داروی کلومی پرامین برای افرادی که وسواس مقاوم به درمان دارند، تجویز می شود و هیچ جایگزین دیگری هم ندارد و وقتی این دارو موجود نیست، حجم زیادی از این بیماران مجبور می شوند از داروهای دیگر استفاده کرده یا دارو را قطع کنند که در نتیجه، بیماری آن ها برمی گردد.

رئیس کمیته دارو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس هم وضعیت برخی داروهای اعصاب و روان را نگران کننده توصیف می کند و می گوید: بعضی داروها که سال های گذشته با سهمیه یا شرایط تشویقی بیشتری در اختیار داروخانه ها قرار می گرفتند، اکنون با محدودیت بیشتری عرضه می شوند؛ به گونه ای که در برخی موارد، سهمیه از پنج جعبه به دو جعبه ۱۰۰ عددی کاهش یافته و برخی داروها نیز به طور کامل در دسترس نیستند.

همایون سامهیم نجف آبادی تأکید می کند: دسترسی نداشتن بیماران به داروهای اعصاب و روان می تواند پیامدهای جدی برای خود بیمار، خانواده و محیط اجتماعی داشته باشد و قطع یا اختلال در مصرف دارو ممکن است مشکلات بیمار را تشدید کند و فشار بیشتری بر خانواده ها وارد بیاورد. به همین دلیل، تأمین پایدار این داروها باید در کنار حل مشکلات نقدینگی و زنجیره تأمین دارو مورد توجه قرار گیرد.

چرا کمبود دار داریم؟

سخنگوی سازمان غذا و دارو درباره وضعیت تأمین برخی داروهای اعصاب و روان؛ به ویژه داروهای ضد افسردگی سه حلقه ای می گوید: بخش عمده ای از داروهای اعصاب و روان؛ به ویژه داروهای ضد افسردگی سه حلقه ای (TCA) در گروه سایکوتروپیک یا گروه مسر تحت نظارت هیئت بین المللی کنترل مواد مخدر سازمان ملل متحد (INCB) قرار دارند و هند یکی از مهم ترین تأمین کنندگان این اقلام در جهان است.

پس از آغاز جنگ رمضان در اسفند ۱۴۰۴ و توقف پروازهای مستقیم از هند به ایران، انتقال محموله های مرتبط با این داروها با محدودیت مواجه شد. همچنین خودداری طرف هندی از ارسال این محموله ها با هواپیماهای ایرانی، روند تأمین را دشوارتر کرد.

آن طور که هاشمی عنوان می کند، واردات فوری ته و استفاده از مسیرهای غیرمستقیم توانسته است بخشی از نیاز کشور را پوشش دهد؛ اما این اقدام هاری تأمین کامل نیاز، کافی نبوده و از سوی دیگر، هزینه بالاتر داروهای وارداتی نیز فشار مضاعفی به بیماران وارد کرده است.

به گفته یو وضعیت تأمین این داروها به صورت مستمر پایش می شود و اقدام های لازم برای رفع محدودیت های موجود و بهبود روند تأمین پایدار آن ها در حال پیگیری است.

■ **تخت های روان پزشکی بیشتری می خواهیم**
محمدرضا شالبافان، مدیرکل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت هم به کمبود تخت های روان پزشکی در کشور اشاره می کند و می گوید: تخت های روان پزشکی به ویژه در شهرهایی که تراکم جمعیتی بالایی دارند، کم است و تعداد این تخت ها به نسبت نیازی که در سطح جامعه وجود دارد، کم به حساب می آید. بنابراین باید بگوییم که دچار کمبود تخت های روان پزشکی هستیم. گستردگی جغرافیایی کشور سبب شده حتی با در دسترس بودن تخت های روان پزشکی در مرکز یک استان، تعداد تخت های روان پزشکی پاسخگوی نیاز آن استان نباشد. همچنین فاصله زیاد برخی شهرها با مراکز استان ها بر ضرورت افزایش تعداد و پراکندگی تخت های روان پزشکی تأکید می کند.

شالبافان با بیان اینکه باید تعداد تخت های روان پزشکی افزایش یابد، تأکید می کند: براساس دستورالعمل های سال های گذشته، دست کم ۱۰ درصد تخت های بیمارستانی باید به تخت های روان پزشکی اختصاص یابد. براساس شرایط کنونی جامعه، تخصیص ۱۰ درصدی ظرفیت تخت های بیمارستانی به تخت های روان پزشکی باید در کانون توجه قرار گیرد تا تعداد تخت های روان پزشکی از تعداد کنونی

۸۴ هزار روان شناس عضو سازمان نظام روان شناسی و مشاوره هستند که تنها حدود ۴۰ هزار نفر از این افراد، پروانه صلاحیت و فعالیت دارند و این مسئله نشان می دهد تعداد روان شناسان نسبت به جمعیت کشور اندک است

بیشتر شود.

اگرچه به نظر می رسد ارائه خدمات روانی - اجتماعی می تواند سبب کاهش بستری دوباره روان پزشکی شود؛ اما نیاز جامعه به تخت های روان پزشکی از تعداد موجود بیشتر است. براساس شرایط کنونی، علاوه بر گسترش برنامه های سلامت روانی و اجتماعی، توسعه تخت های روان پزشکی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. شالبافان درباره وضعیت دسترسی به تخت های روان پزشکی در ایران در مقایسه با استانداردهای جهانی می گوید: وضعیت تخت های روان پزشکی کشور در مقایسه با برخی کشورهای منطقه که از نظر اقتصادی و اجتماعی تا حدودی هم تراز به حساب می آییم، تقریباً «متوسط» است؛ اما در مقایسه با بسیاری از کشورهای غربی، تعداد تخت های روان پزشکی نسبت به تعداد جمعیت «کم» به شمار می رود. براساس آمار و ارقام پیمایش سلامت روان و مشاهده های اورژانس های روان پزشکی، نیاز به افزایش تخت های روان پزشکی احساس می شود. علاوه بر افزایش تعداد تخت های روان پزشکی باید به پراکندگی جغرافیایی کشور هم توجه کنیم، به گونه ای که دسترسی مناسبی برای این تخت ها وجود داشته باشد تا شرایط کنونی بهتر شود.

وضعیت نگران کننده داروهای اعصاب و روان

شاید بتوان جدی ترین چالش حوزه درمان بیماری های اعصاب و روان را در کمبود یا نبود داروهای مورد نیاز بیماران دانست. وحید شریعت، رئیس انجمن علمی روان پزشکان ایران معتقد است کمبود داروهای روان پزشکی بسیار جدی است و می توان گفت هیچ وقت اوضاع تا این اندازه بد نبوده است. بخش قابل توجهی از داروهای ضروری از جمله داروهای طولانی اثر اصلاً در بازار موجود نیستند. وقتی دارو پیدا نمی شود، بیماری های روان پزشکی عود می کنند و مراجعه بیماران به بیمارستان ها و مراکز روان پزشکی افزایش می یابد؛ چون تعداد زیادی از بیماران از این داروها استفاده می کنند.

در مورد داروهای ضد اضطراب، ضد افسردگی و ضد روان پریشی هم با کمبودهای بسیار جدی روبه روهستیم. خیلی از همکاران می گویند موقع نوشتن نسخه، ابتدا باید با روان شناسان است.

روان شناسی و مشاوره، استفاده از ظرفیت بیمه هاست؛ به خصوص آنکه این خدمات جنبه پیشگیرانه نیز دارند. دکتر معصومه حاتمی، روان شناس می گوید: مسئله اصلی باید این باشد که ما چطور می توانیم بین قیمت واقعی یک خدمت تخصصی و توان اقتصادی مردم تعادل ایجاد کنیم. سلامت روان، کالای لوکس نیست که به مردم بگوییم حالا که پول ندارید، برای مشاوره مراجعه نکنید. پیشگیری و مداخله زودهنگام در زمینه تمام بیماری های جسمی و به ویژه روحی و روانی باید در دسترس مردم باشد. برای سلامت روان باید یک نظام چند لایه تأمین مالی طراحی شود. در این باره نیاز است که دولت طرح بیمه را به طور جدی وارد حوزه سلامت روان کند و این خدمات زیر پوشش بیمه قرار بگیرند.

با این حال فریبرز درتاج، رئیس انجمن روان شناسی تربیتی اظهار می کند: پوشش های بیمه ای فعلی، محدود و اغلب معطوف به برخی از گرایش های تخصصی روان شناسی است و هنوز چتر حمایتی فراگیری برای تمامی گرایش ها و نیازهای مردم شکل نگرفته است. در عین حال بسیاری از این خدمات در مراکز خصوصی ارائه می شوند که نیازمند پوشش بیمه ای است.

۸۴ هزار روان شناس عضو سازمان نظام روان شناسی و مشاوره هستند که تنها حدود ۴۰ هزار نفر از این افراد، پروانه صلاحیت و فعالیت دارند و این مسئله نشان می دهد تعداد روان شناسان نسبت به جمعیت کشور اندک است

مدیرکل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت نیز پوشش بیمه ای خدمات روان را یک ضرورت می داند و تأکید می کند: اگر افزایش تعرفه های خدمات روان درمانی با حمایت های بیمه ای دولتی همراه نباشد، بسیاری از مردم نمی توانند تعرفه خدمات بخش خصوصی را پرداخت کنند. براین اساس، همراه با تلاش برای افزایش تعرفه ها، حمایت ویژه دولتی برای مردم یک ضرورت قلمداد می شود. محمدرضا شالبافان درباره ارائه خدمات حوزه روان در بخش خصوصی معتقد است: در بسیاری از مواقع، بخش خصوصی می تواند یک مکمل برای بخش دولتی باشد. بنابراین لازم است تعرفه ها زیر پوشش سازمان های بیمه گر قرار گیرد تا بار ناشی از افزایش تعرفه های خدمات روان درمانی سبب افزایش پرداخت از جیب مردم نشود.

کمبود روان شناس داریم

کمبود متخصصان و روان شناسان در کشور نیز نگرانی ها در خصوص اقدام های پیشگیرانه را در این زمینه افزایش داده به طوری که به گفته درتاج، ۸۴ هزار روان شناس عضو سازمان نظام روان شناسی و مشاوره هستند که تنها حدود ۴۰ هزار نفر از این افراد، پروانه صلاحیت و فعالیت دارند و این مسئله نشان می دهد تعداد روان شناسان نسبت به جمعیت کشور اندک است. علی فتحی آشتیانی، رئیس پیشین سازمان نظام روان شناسی و مشاوره هم می گوید: در بسیاری از کشورها به ازای هر هزار نفر بیش از هفت روان شناس و در برخی کشورها مانند چین به ازای هر ۲ هزار نفر یک روان شناس وجود دارد. برآورد ما این است که به ازای هر هزار نفر در کشور، باید یک روان شناس داشته باشیم که با احتساب این آمار دست کم به ۸۵ هزار روان شناس پروانه دار فعال در کشور نیاز داریم. در استان تهران به ازای هر هزار نفر یک روان شناس داریم؛ اما در برخی استان ها مانند سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد و... به ازای هر ۱۰ هزار نفر یک روان شناس وجود دارد که نشانگر تعداد بسیار کم این روان شناسان است.

■ **گروه جامعه**
بحران ها از هر نوع که باشند؛ فردی یا اجتماعی، طبیعی یا غیر طبیعی، پیامدهای اجتناب ناپذیر خود را به همراه دارند.

نخستین پیامد بحران ها، مختل شدن چرخه زندگی و در صورت تداوم آن، بروز آسیب های روحی و روانی است؛ پیامدی که در صورت نبود تاب آوری، نتایج جبران ناپذیر دیگری همچون خشونت، خودکشی و یا قتل را رقم خواهد زد.

هشت پرورنده قتل خانوادگی در شهرهای مختلف ایران طی یک ماه گذشته در چند شهر کشور به دلیل فرسودگی روانی، اختلافات حل نشده خانوادگی، مشکلات اقتصادی و یا هر دلیل دیگر را نمی توان نادیده گرفت و با به قول معروف زیر فرش پنهان کرد.

به گفته کارشناسان در چنین شرایطی آنچه بیش از همه اهمیت دارد، پذیرش و قبول وجود این آسیب ها، تلاش برای حذف و کاهش آن ها با گسترش خدمات مشاوره، حمایت از قربانیان و شناسایی نشانه های خطر است.

نقطه اضطراب

تازه ترین آمارها از میزان اختلالات روانی در میان ایرانی ها، نشان می دهد ۲۵ درصد بزرگسالان جامعه ایران دست کم به یک اختلال روانی مبتلا هستند. آسیب شناسان معتقدند در حال حاضر شاید بتوان رقم ۲۵ تا ۳۰ درصد را به عنوان یک برآورد تخمینی برای این روزها در نظر گرفت.

علیرضا آقاییوسفی، رئیس سازمان نظام روان شناسی و مشاوره کشور به تازگی ضمن هشدار در خصوص نادیده گرفتن وضع موجود، گفته است فاصله زیادی تا رسیدن به نقطه اضطراب سلامت روان نداریم.

به گفته وی از نظر فنی در حوزه روان شناسی، وقتی افراد در معرض استرس شدید قرار می گیرند، بسته به میزان استرس دریافتی و توانایی های جسمانی و روان شناختی آن ها، ممکن است طی یکی تا دو سال بعد با اضطراب، افسردگی، تعارضات زناشویی و بیماری های جسمانی مواجه شوند.

علاوه بر این وقتی تروم با سرعت بالایی پیش می رود، توانایی مردم نیز برای مراجعه به روان شناس و مشاور کاهش می یابد؛ به ویژه وقتی خدمات روان شناسی زیر پوشش بیمه های پایه قرار ندارند و ممکن است بسیاری از افرادی که دچار مشکل می شوند، توانایی مراجعه به روان شناس را نداشته باشند.

از سوی دیگر یک روان شناس با احتساب پنج روز کاری در هفته و پنج مراجعه کننده در روز، در صورت تکمیل ظرفیت، حدود ۱۰۰ جلسه مشاوره در ماه خواهد داشت. حتی اگر در آمد ماهانه او حدود ۷۰ میلیون تومان باشد، با کسر اجاره، هزینه های آب، برق، گاز، تلفن، شارژ، پذیرش و مالیات، مبلغ چندانی باقی نمی ماند؛ بنابراین نه مردم توانایی پرداخت هزینه های خدمات روان شناختی را دارند و نه تعرفه های موجود می تواند هزینه های یک مرکز مشاوره و دفتر روان شناسی را به طور کامل تأمین کند. این در حالی است که تفاوت محسوسی است میان تعرفه رسمی و آنچه در عمل در مراکز مشاوره خصوصی اعمال می شود. براساس اعلام سازمان روان شناسی، جلسات مشاوره کارشناسان دارای مدرک کارشناسی ارشد در مراکز دولتی ۲ میلیون و ۹۶۳ هزار ریال، در مراکز عمومی غیردولتی ۵ میلیون و ۴۹۴ هزار ریال، در مراکز خبریه و موقوفه ۷ میلیون و ۴۲ هزار ریال و در بخش خصوصی ۷ میلیون و ۶۴۵ هزار ریال هزینه دارد. همین خدمات از سوی دارندگان مدرک دکترای تخصصی در مراکز دولتی ۳ میلیون و ۵۸۲ هزار ریال، عمومی غیردولتی ۶ میلیون و ۶۳۲ هزار ریال، خبریه و موقوفه ۸ میلیون و ۶۹۶ هزار ریال و بخش خصوصی ۹ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال تعیین شده است. برای متخصصان با سابقه بالای ۱۵ سال، این تعرفه ها حتی بالاتر است؛ کارشناسان ارشد در بخش خصوصی تا ۸ میلیون و ۹۵۱ هزار ریال و دارندگان مدرک دکتر تا ۱۰ میلیون و ۸۰۶ هزار ریال دریافت خواهند کرد.

به نظر می رسد راهکار جبران هزینه های بالای خدمات

نگاه

نگاهی به چالش های پیش روی حافظان منابع طبیعی در روز ملی آن ها

محیط بانی؛ مهربانی در شرایط سخت

حفظ منابع طبیعی کشور و صیانت از تنوع زیستی کشور مدیون حضور محیط بان هاست؛ مردان بی ادعایی که همچنان با وجود چالش های پیش رو برای حراست از زیستگاه ها و گونه های در معرض خطر ایستاده و میدان راترک نکرده اند.

مدت هاست با وجود وعده های مسئولان درباره بهبود شرایط کار محیط بانان، تاکنون این وعده ها آن طور که باید و شاید اجرایی نشده است. به همین دلیل مشکلات محیط بانان همچنان پابرجاست و در برخی زمینه ها حتی این چالش ها بیش از گذشته شرایط را برای آن ها دشوار کرده است.

از سوی دیگر بر اساس آمار منتشر شده از سوی سازمان حفاظت از محیط زیست ایران، تاکنون بیش از ۱۵۱ محیط بان در حراست از محیط زیست و عرصه های طبیعی کشور با شلیک گلوله، ضربات تبر و حتی حملات گروهی شکارچیان کشته و ۲۷۳ نفر نیز زخمی شده اند. برخی نیز هنگام خدمت، به دلیل سقوط از پرتگاه یا سوانح رانندگی کشته شده اند.

در ایران، هر محیط بان مسئولیت حفاظت از ۱۰ تا ۱۱ هزار هکتار عرصه طبیعی را بر عهده دارد که این نسبت، نه تنها با استانداردهای جهانی همخوانی ندارد؛ بلکه قدرت محیط بان را برای کنترل و نظارت بر این پهنه گسترده به شدت کاهش می دهد. طبق استانداردهای جهانی، هر محیط بان باید مسئول حفاظت از هزار هکتار باشد؛ اما در ایران به دلیل کمبود نیرو، این عدد به ۱۰ برابر افزایش یافته است. حتی با وجود مجوز استخدام ۷۰۰ نیروی جدید در سازمان محیط زیست، کمبود شدید نیروی انسانی همچنان مسئله ای حل نشده است. از طرف دیگر، کمبود تجهیزات و فناوری های نوین، مشکلات امنیتی محیط بانان را تشدید می کند.

موضوع حمل سلاح برای محیط بان ها از چالش هایی است که همواره محل مناقشه بوده است به گونه ای که با وجود تصویب قوانین حمایتی در راستای ارتقای وضعیت حقوقی و قضایی محیط بانان، هنوز هم در عمل، این قشر در برابر متخلفان و شکارچیان غیرمجاز، به خلأ قانونی مواجه اند. بسیاری از محیط بانان در مواجهه با خطرات جانی خود، به دلیل ابهاماتی در قانون و نبود پشتوانه قانونی کافی، ناچار به تصمیم گیری های دشوار هستند که گاه نتایج فاجعه باری دارد. حتی در اسفند سال گذشته، مجلس اصلاح قانون حمل سلاح محیط بانان را رد کرد که واکنش های گسترده ای از سوی فعالان محیط زیست و کارشناسان حقوقی را در پی داشت. بسیاری از کارشناسان بر این باورند که محیط بانان باید در مواجهه با متخلفان، از پشتوانه قانونی کافی برخوردار باشند تا از جان خود و منابع طبیعی حفاظت کنند.



با وجود این مشکلات، سازمان حفاظت محیط زیست وعده داده که شرایط بهتری برای محیط بانان فراهم کند.

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست خرداد امسال از تشکیل کمیته ای مشورتی متشکل از کارشناسان و پیشکسوتان محیط زیست خبر داده و گفته بود: هدف این کمیته، استفاده از ظرفیت های قانونی و تخصصی برای کاهش تعارضات میان محیط بانان و متخلفان و جلوگیری از بروز درگیری های فیزیکی است.

شینا انصاری سه شنبه گذشته نیز بار دیگر از پیگیری اصلاح قانون به کارگیری سلاح با هدف رفع خلأهای قانونی و تقویت حمایت قضایی از محیط بانان خبر داد و گفت: اصلاحات انجام شده با همکاری کمیسیون های تخصصی مجلس شورای اسلامی، در انتظار مراحل نهایی تصویب است.

به گفته وی در دو سال گذشته، با همکاری کمیسیون های تخصصی مجلس شورای اسلامی، اصلاحاتی در قانون به کارگیری سلاح پیگیری شده تا خلأهای موجود در قانون پیشین برطرف و زمینه حمایت قضایی بیشتر از محیط بانان فراهم شود.

انصاری ابراز امیدواری کرد با طی مراحل باقیمانده و تصویب نهایی این اصلاحات در مجلس شورای اسلامی، حمایت های قضایی از محیط بانان در انجام مأموریت های قانونی آن ها افزایش یابد.

محیط بان ها علاوه بر ملاحظات به کارگیری سلاح و ترس از پیامدهای آن، با چالش های دیگری نیز مواجه اند؛ از درگیری احتمالی با شکارچیان غیرمجاز گرفته تا مواجهه با حیوانات وحشی، سرامی شدید یا گرمای طاقت فرسا، از تجهیزات فرسوده تا حقوق اندک، جیره غذایی نامناسب، برنامه های آموزشی ناکارآمد و...

آن ها از خودروها، موتورسیکلت ها و دوربین های چشمی فرسوده شان که نمی توان با آن ها در محدوده های در نظر گرفته شده به گشت زنی پرداخت، گلّه می کنند.

از تعداد اندک محیط بان ها و بازنشستگی محیط بانان با تجربه، که سبب شده محدوده زیر پوشش آن ها چند برابر استانداردهای جهانی باشد.

حمید ظهرابی، معاون محیط طبیعی سازمان حفاظت محیط زیست نیز با اشاره به همین موضوع، یکی از دلایل افزایش درگیری ها و حوادث تلخ را که منجر به شهادت یا زخمی شدن محیط بان ها می شود، کافی نبودن نیروی محیط بان در سازمان می داند و هشدار می دهد: یکی از بزرگ ترین مشکلات ما تعداد ناکافی محیط بان هاست. وقتی تعداد افرادی که وارد یک عملیات دستگیری می شوند، یک یا دو نفر است، بی شک شرایط برای حمله به آن ها راحت تر فراهم می شود. در حالی که اگر تعداد آن ها بیشتر باشد، فرد متخلف با قانون شکن که وارد مناطق حفاظتی شده، احساس می کند قابلیت این را ندارد که با چند نفر درگیر شود. این موضوع بازآرندگی زیادی ایجاد می کند؛ ولی وقتی تعداد شکارچیان از تعداد محیط بان های ما بیشتر است، این موضوع انگیزه بیشتری برای ایجاد درگیری در متخلفان به وجود می آورد. پس باید برای تعداد ناکافی محیط بان ها و حفاظت گران چاره اندیشی کرد.

نگاهی تاریخی به تحولات سیاسی برزیل و چرایی اهمیت آن برای کاخ سفید

آتش در حیاط خلوت آمریکا



جواد نوانیان رودسری | آمریکای لاتین در حافظه تاریخی جهان- جغرافیای زخم‌های التیام نیافته و پیکره‌ای همواره در کمند طمع قدرت‌های بیرونی است.

در کانون این اندام خاکی پهناور، برزیل با وسعتی به درازای یک قاره و شریان‌های آبی خروشانش، سرزمینی ویژه و غول‌آساست.

تاریخ مدون این خطه هنگامی دگرگون شد که در ۲۲ آوریل ۱۵۰۰، ناوگان پدرو آلوارز کابرال در ساحل «باهیا» لنگر انداخت و بر اساس عهدنامه «تورده‌سیاس» با اسپانیا، مالکیت آن را به تاج‌وتخت پرتغال پیشکش کرد.

استعمار پرتغال طی سه سده، سرنوشت این سرزمین بکر را با الگوی بهره‌کشی اقتصادی پیوند زد؛ نخست با استخراج و تاراج چوب سرخ‌رنگ «پائو برزیل»، سپس با تأسیس نظام تک‌محصولی نیشکر در شمال شرق که به بهای جان میلیون‌ها برده رבוده‌شده از آفریقا قوام یافت و سرانجام با غارت رگه‌های زرین طلا و الماس در ایالت «میناس گرایس» در قرن هجدهم. برخلاف متصرفات امپراتوری اسپانیا در آمریکای جنوبی که پس از جنگ‌های استقلال طلبانه به جمهوری‌هایی خرد و ناپایدار تبدیل شدند، برزیل مسیری یگانه را پیمود. در نوامبر ۱۸۰۷، هنگامی که ارتش ناپلئون بناپارت از پیرنه گذشت و لیسبون را درنوردید، خاندان سلطنتی براگانسا (پادشاهی پرتغال) به رهبری «ژائو ششم» تحت حمایت ناوگان سلطنتی بریتانیا، از اقیانوس اطلس عبور و شهر ریودوژانیرو (در برزیل) را پایتخت امپراتوری پرتغال اعلام کرد. این تبعید تاریخی، ساختار اداری و تمامیت ارضی برزیل را به صورت دست‌نخورده حفظ کرد؛ تا آنجا که در سپتامبر ۱۸۲۲، «پدرو اول» در کنار رودخانه «ایپیرانگا» فریاد استقلال سر داد و نخستین نظام سلطنتی مشروطه و پایدار را در سراسر آمریکای جنوبی بنیان نهاد، اما برچیده شدن پرچم لیسبون، طلوع آزادی مطلق نبود؛ بلکه گشایش فصلی تازه از ورود نیروهای نوپا به عرصه نفوذ و تسلط بر مقدرات این سرزمین به شمار می‌رفت.

■ **سایه سنگین دکترین مونرو**

در سال ۱۸۲۳ «جیمز مونرو» رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، با صدور پیامی خطاب به کنگره، دکترین مشهور خود را اعلام کرد: «نیمکره غربی دیگر نباید عرصه استعمارگری قدرت‌های کهنه‌کار اروپایی باشد». این دکترین گرچه در ظاهر ردایی از نیت خیرخواهانه برای دفاع از حاکمیت ملی سرزمین‌های نوپا را بر تن داشت، اما در باطن سند انحصاری سلطه و ایجاد حوزه نفوذ انحصاری برای کاخ سفید بود.

با وجود آنکه ایالات متحده در سال ۱۸۲۴ نخستین کشوری نام گرفت که استقلال برزیل را به رسمیت شناخت، اما در سراسر سده نوزدهم، بریتانیای عصر ملکه ویکتوریا با تسلط بر نظام مالی، بانکداری و خطوط آهن، نبض اقتصاد ریو و ساؤپائولو را در دست داشت.

با افول تدریجی قدرت مالی لندن در آستانه قرن بیستم، بُردار تجارت برزیل تغییر جهت داد.

اقتصاد این غول آمریکای جنوبی بر کشت قهوه در ساؤپائولو و ایالت‌های هم‌جوار استوار بود و ایالات متحده به خریدار بیش از ۶۰ درصد دانه‌های قهوه صادراتی برزیل تبدیل شد.

با فروپاشی امپراتوری برزیل در سال ۱۸۸۹ و استقرار جمهوری، نخبگان الیگارش حاکم که به طبقه زمینداران و تاجران بزرگ تعلق داشتند، سکان دیپلماسی را به «بارون ریو برانکو» سپردند.

ریو برانکو معمار سیاستی شد که تاریخ‌نگاران آن را «هم‌پیمانی نانوشته» نامیده‌اند؛ سیاستی که بر پایه چرخش کامل از مدار لندن به سوی مدار اقتصادی و ژئوپلیتیک واشنگتن بناد.

بدین‌گونه، حیاط خلوت واشنگتن دیواری نفوذناپذیر یافت و برزیل پای در مسیری نهاد که در آن سرمایه، مستشاران و بانک‌های وال‌استریت نقش اول را ایفا می‌کردند.

■ **برزیل در جنگ اختاپوس دلار**

در نخستین دهه‌های قرن بیستم، نفوذ اقتصادی ایالات متحده دیگر محدود به دادرستد دانه‌های قهوه و لاستیک خام آمازون نبود.

شرکت‌های غول‌پیکر چندملیتی آمریکایی هجوم برنامه‌ریزی‌شده‌ای را برای تسخیر زیرساخت‌ها، شبکه انرژی، حمل‌ونقل و معادن راهبردی برزیل ترتیب دادند. سودهای نجومی ناشی از تعرفه‌های سنگین بدون کوچک‌ترین بازسرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بومی، به نیویورک سرازیر می‌شد.

در بخش معدن، منابع غنی سنگ آهن و منگنز در ایالت «میناس گرایس» تحت تسلط شرکت «معدان هانا» قرار گرفت؛ کارتل عظیم فلزات که سناوتورها و وزرای آمریکایی در هیئت‌مدیره آن نقشی برجسته داشتند. همزمان، واردات فراورده‌های نفتی و کنترل بازارهای توزیع بنزین و سوخت این کشور بزرگ، در چنبره شرکت «استاندارد اویل» نیوجرسی و «تگزاکو» قرار گرفت. این سلطه خفه‌کننده هرگونه ابتکار برای استخراج بومی یا ساخت پالایشگاه‌های ملی را در نقطه خاموشی می‌کرد. کشاورزی برزیل نیز با ورود غول‌هایی چون شرکت «کارگیل» دستخوش بحران شد و دهقانان سنتی به حاشیه‌نشینان بی‌استطاعت شهرها و حلیی‌آبادها تبدیل شدند. ایالات متحده نه‌تنها سودهای کلان از خاک برزیل بیرون می‌کشید، بلکه اجازه نمی‌داد صنایع پایه ملی در خاک این کشور شکل بگیرند؛ برزیل باید صرفاً تأمین‌کننده مواد خام ارزان‌قیمت برای کارخانجات دیترویت و پنسیلوانیا به مصرف‌کننده کالاهای ساخت کارخانه‌های ایالت‌های شمالی آمریکا باقی می‌ماند.

■ **بازی وارگاس در شطرنج آتش و خون**

با سقوط «وال‌استریت» در سال ۱۹۲۹ و بحران بزرگ

اقتصاد جهانی، بهای قهوه سقوط کرد و الیگارشی وابسته صادرات در برزیل به زانو درآمد. در دل این فروپاشی، در سال ۱۹۳۰ «ژولیو وارگاس»، چهره‌ای ملی‌گرا با پشتیبانی افسران جوان ارتش، قدرت را بدست گرفت. وارگاس دریافت که کشوری بدون صنعت و ساختار تولید انرژی مستقل، همواره مستعمره‌ای بی‌حق و حساب باقی خواهد ماند.

او با نبوغی عمل‌گرایانه و بهره‌گیری از فضای ژئوپلیتیک اواخر دهه ۱۹۳۰ و صف‌آرایی بلوک‌های قدرت در جنگ جهانی دوم، ایالات متحده را در تنگنای تاریخی قرار داد. وارگاس روابط تجاری و صنعتی با آلمان نازی را به شکل کم‌سابقه‌ای توسعه بخشید تا جایی که آلمانی‌ها آمدگی خود را برای ساخت مجتمع ملی فولاد برزیل اعلام کردند. فرانکلین روزولت، رئیس‌جمهور آمریکا که از حضور یک متحد احتمالی برای برلین در قلب نیمکره غربی به وحشت افتاده بود، به دست‌ودل‌بازی ژئوپلیتیک تن داد. ایالات متحده حاضر شد در قالب «بانک صادرات و واردات»، وام‌ها و فناوری مهندسی لازم را برای ساخت نخستین و عظیم‌ترین کارخانه پکپارچه فولاد آمریکای لاتین در «ولتاردوندا» تأمین کند.

در ازای این امتیاز بزرگ، برزیل بنادر و پایگاه‌های هوایی شمال‌شرق خود؛ به‌ویژه پایگاه هوایی ناتال را در اختیار ارتش آمریکا گذاشت و نظامیان برزیلی را روانه ایتالیا کرد تا شانه به شانه متفقین بجنگند.

اما تقابل تاریخی وارگاس با سرمایه‌داری آمریکایی پس از جنگ پایان نیافت. او در دوره دوم حکومت خود (۱۹۵۱–۱۹۵۴) به کابوسی حقیقی برای شرکت‌های چندملیتی بدل شد. وارگاس با طرح راهبرد انرژی مستقل، لایحه ملی کردن منابع هیدروکربنی را به صحن کنگره آورد و با برانگیختن خیزش اجتماعی و شعار مشهور «نفت مال ماست!»، در سوم اکتبر ۱۹۵۳ غول نفتی دولتی «پتروبراس» را تأسیس و دست‌کارتل‌های نفتی آمریکایی را از طلای سیاه برزیل کوتاه کرد.

پاسخ واشنگتن، شرکت‌های آمریکایی و ژنرال‌های وابسته به آن‌ها سنگین بود؛ کارزار گسترده‌ای از ترور شخصیت، فشارهای سراسام‌آور ارزی، تحریم قطعات و اولتیماتوم‌های نظامی بر او تحمیل شد. وارگاس در ۲۴ آگوست ۱۹۵۴ در کاخ ریاست‌جمهوری با شلیک گلوله به قلب، خودکشی کرد.

او در وصیت‌نامه جنجالی‌اش نوشت: «نیروهای تیره‌دل بین‌المللی مانع پیشرفت خلق من شدند... من زندگی‌ام را ادامه تا به تاریخ ببیوندم».

■ **چکمه‌پوشان «ریودوژانیرو»**

مرگ وارگاس شعله استقلال‌خواهی را در برزیل خاموش نکرد. در ابتدای دهه ۱۹۶۰ پس از کناره‌گیری جانیو کوادروس، معاون چپ‌گرا و مترقی او، ژائو گولارت بر صندلی ریاست‌جمهوری تکیه زد.

گولارت مانیفستی بنیادین برای دگرگونی طبقاتی برزیل تدوین کرد که به «اصلاحات پایه‌ای» شهرت یافت: اصلاحات ارضی سراسری برای خلع‌ید از ملاکان غاصب، ملی کردن پالایشگاه‌های باقیمانده، محدود کردن خروج سودهای افسارگسیخته شرکت‌های آمریکایی از کشور به سقف ۱۰ درصد ارزش اسمی و گسترش حق رأی به اقشار بی‌سواد.

او در صحنه بین‌المللی نیز به سوی جنبش عدم تعهد گام برداشت، دولت چپ‌گرای کوبا را به رسمیت شناخت و برای معامله با بلوک شرق آغوش گشود.

در واشنگتن عصر جنگ سرد، این اصلاحات عبور از خطوط قرمز تلقی شد.

جان اف. کندی و سپس لیندون بی. جانسون همراه با سفیر کهنه‌کار آمریکا در برزیل، «لینکلن گوردون» و

وابسته نظامی فعال سفارت، «ورنون والترز» نقشه کودتایی هولناک را کشیدند. گوردون در تلگراف‌های محرمانه خود وضعیت برزیل را «پیش از موعد سقوط کامل در دامان چپ» توصیف و تأکید کرد هرگونه تأخیر، برزیل را به کوبایی جدید بدل خواهد کرد.

در ۳۱ مارس ۱۹۶۴، تانک‌های ارتش به فرماندهی ژنرال‌های وابسته به آمریکا به خیابان‌ها سرازیر شدند. برای تضمین پیروزی کودتاچیان، پنتاگون یک ناوگروه ضربت متشکل از ناو هواپیمابر «فارستال»، ۶ ناوشکن جنگی و چهار شناور تدارکاتی حامل هزاران تُن سوخت و مهمات را تحت مأموریتی موسوم به «عملیات برادر سام» به آب‌های ساحلی برزیل فرستاد تا در صورت مقاومت نیروهای وفادار به قانون اساسی، رسماً مداخله نظامی انجام دهد. گولارت برای جلوگیری از شکل گرفتن حمام خون، تسلیم شد و کشور را ترک کرد؛ کودتاچیان بر اریکه قدرت تکیه زدند و «لینکلن گوردون» با همان ادبیات تهوع‌آور و همیشگی کاخ سفید، پیروزی کودتا را «بزرگ‌ترین پیروزی آزادی در نیمکره غربی در سال‌های اخیر» خواند! به این ترتیب، دیکتاتوری نظامی به مدت ۲۱ سال (۱۹۶۴–۱۹۸۵) با آتش و شکنجه بر مقدرات ملت برزیل چنبره زد. سازمان مخوف امنیتی ارتش برزیل، با کمک مشاوران آمریکایی و تحت چتر شبکه ترور «عملیات کندور» (در آمریکای لاتین)، به ربایش سیستماتیک، شکنجه دهشتناک مخالفان و سربه‌نیست‌کردن هزاران دانشجو، کارگر و روشنفکر پرداخت.

از منظر اقتصادی، دیکتاتورها دروازه‌ها را به طور کامل روی بانک‌های وال‌استریت و صندوق بین‌المللی پول گشودند؛ دورانی که ابتدا با تبلیغات فریبنده، «معجزه اقتصادی» خوانده شد، اما برزیل را در انتهای دهه ۱۹۷۰ با بدهی خارجی ویرانگر ۱۰۰ میلیارد دلاری، تورم افسارگسیخته و نابرابری اجتماعی عمیقی رها کرد که تا دهه‌ها پیکره جامعه را می‌سوزاند.

■ **زایش چپ نوین**

اواخر دهه ۱۹۷۰ هنگامی که فقر، سرکوب سیاسی و بحران اقتصادی ارکان استبداد نظامی را به لرزه درآورده بود، جنبشی در حاشیه قطب صنعتی ایالت ساؤپائولو متولد شد.

این پدیده، نوعی ویژه از «سوسیالیسم دموکراتیک بومی» بود که نه از روی رساله‌های اردوگس کمونیسم شوروی رونویسی شد و نه از جنگ چریکی در کوهستان‌ها سود و بهره می‌برد.

این تفکر چپ‌گرای تازه، برآمده از دو خاستگاه بود؛ سندیکاهای کارگری (فلزکاران مستقل) و جریان روشنفکری چپ‌گرای متمایل به کلیسا. پیوند این دو خاستگاه، در ۱۰ فوریه ۱۹۸۰ به تأسیس حزب کارگران انجامید. این جریان برخلاف الگوهای چپ‌گرای خاورمیانه‌یا اروپایی شرقی، ساختاری به شدت شبکه‌ای، کثرت‌گرا، پایبند به مبارزات صندوق رأی و منتقد جدی بروکراسی دیکتاتوری داشت.

■ **«لولا» وارد می‌شود**

در رأس خیزش چپ نوین، سیاستمداری زیرک با دست‌های پینه‌بسته نشسته بود؛ لوتیز ایناسیو لولا داسیلوا. او متولد ۱۹۴۵ در منطقه فقیر و بحران‌زده «گارائینوز» در شمال‌شرق برزیل بود.

در کودکی رنج فقر مطلق، سوءتغذیه و مرگ زودرس برادرانش را چشیده بود.

او پیش از آنکه به سن جوانی برسد، شغل‌های زیادی را تجربه کرد؛ واکس می‌زد، بادام‌زمینی می‌فروخت و پس از مهاجرت به ساؤپائولو، در ۱۲ سالگی ترک تحصیل کرد تا کارگر تراشکار شود.

او در ۱۹ سالگی هنگام کار طاقت‌فرسا در شیفت شب، انگشت کوچک دست چپش را زیر چرخ‌های دستگاه هیدرولیک صنعتی از دست داد.

«لولا» با برخورداری از ادبیاتی متفاوت، خود را به عنوان سخنگوی محرومان و طبقات فرودست مطرح کرد. او پس از تحمل زندان در دوران حاکمیت دیکتاتوری نظامی، تصمیم به شرکت در انتخابات گرفت، اما سه بار در انتخابات ریاست‌جمهوری شکست خورد تا اینکه در پاییز ۲۰۰۲ با حمایت ائتلافی تاریخی بر صندلی ریاست‌جمهوری تکیه زد. پژوهشگران حوزه تاریخ سیاسی معتقدند در دوران نخست ریاست‌جمهوری داسیلوا تحولاتی ریشه‌ای در نظام اجتماعی برزیل پدید آمد. با اجرای برنامه‌های هدفمند نظیر «بولسا فامیلیا» (یارانه مشروط به تحصیل وواکسیناسیون کودکان) و پویش «گرسنگی صفر»، بیش از ۳۶ میلیون برزیلی از فقر مطلق نجات یافتند و طبقه‌ای جدید از شهروندان برزیلی به وجود آمد.

در بخش صنعت، دولت لولا سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در صنایع کشتی‌سازی، هوانوردی پیشرفته و کشف میدانین بزرگ نفت فراساحلی انجام داد و شرکت نفت دولتی «پتروبراس» به یکی از معتبرترین شرکت‌های انرژی جهان تبدیل شد.

در صحنه بین‌المللی، داسیلوا حیاط خلوت سنتی واشنگتن را به میدان قدرت‌نمایی استقلال قاره بدل کرد. او با کمک «هوگو چاوز» در ونزوئلا و «نستور کشرن» در آرژانتین، معاهده استعماری تجارت آزاد قاره آمریکا را که هدفش ادغام اجباری بازارهای آمریکای لاتین در اقتصاد واشنگتن بود، در اجلاس تاریخی نوامبر ۲۰۰۵ در «مار دل پلاتا» با قاطعیت ناکام گذاشت.

علاوه بر آن، لولا با همراهی روسیه، هند و چین، بلوک ژئواکونومیک «بریکس» را پایه‌گذاری کرد تا پایانی باشد بر جهان تک‌قطبی پس از فروپاشی شوروی.

■ **کودتای سفید علیه «لولا»**

پیشرفت شتابان غول آمریکای جنوبی و استقلال رأی آن در بحران‌های جهانی، برای سیاست‌گذاران پنتاگون و دستگاه سیاست خارجی واشنگتن تحمل‌پذیر نبود. از آنجا که در آن شرایط، مانند گذشته امکان اعزام تنگنادران دریایی یا به راه انداختن تانک در خیابان وجود نداشت، سازوکار کودتا با تاکتیک‌های حقوقی، اطلاعاتی و قضایی مدرن یا اصطلاحاً «جنگ حقوقی» تغییر چهره داد. در سال ۲۰۱۴ پروژه‌ای با عنوان مبارزه با فساد موسوم به «عملیات شست‌وشوی خودرو» با هدایت قاضی جوانی به نام «سرجیو مشرو» در ایالت پارانا آغاز شد؛ افشاگری‌های هدفمند وبگاه تحقیقی «اینترسپت» در سال ۲۰۱۹ موسوم به «آرشیو محرمانه برزیل» پرونده‌ای جنجالی را باز کرد؛ قاضی مورو و تیم دادستانی به شکلی غیرقانونی و مستمر با مأموران وزارت دادگستری آمریکا اداره تحقیقات فدرال آمریکا (اف‌بی‌آی) در ارتباط بودند و دستورها و داده‌های اطلاعاتی رمزگذاری شده را دریافت می‌کردند. هدف روشن بود: نابودی شرکت‌های اقتصادی بزرگ برزیلی، فلج کردن شرکت نفت ملی پتروبراس، تضعیف حزب کارگران، استیضاح ساختگی دیلما روسف (رئیس‌جمهور وقت برزیل و عضو حزب کارگر) با حبس لولا و «ژائیر بولسونارو» سرهنگ سابق ارتش و مدافع سرسخت دیکتاتوری نظامی و شکنجه‌گران آن، پیروز انتخابات شد.

بولسونارو که از همان روز نخست لقب «ترامپ‌حاره‌ای» را با افتخار یکد می‌کشید، سیاستی کاملاً سرسپرده در پیش گرفت؛ او جنگل‌های بارانی آمازون را در اختیار

کارتل‌های چندملیتی چوب و گله‌داری گذاشت، به شرکت‌های توزیع برق و پتروشیمی ملی چوب حراج زد و حتی در دیدارهای رسمی کاخ سفید، به تملق‌گویی مقابل ترامپ رو آورد و منافع ملی برزیل را پای راهبردهای ایالات متحده قربانی کرد.

■ **انتخابات اخیر و کابوس واشنگتن**

دادگاه عالی فدرال برزیل در سال ۲۰۲۱، با اثبات غرض‌ورزی سیاسی و تخلفات سیستماتیک مورو، حکم زندان لولا داسیلوا را ابطال کرد. بازگشت لولا به خیابان‌ها تغییرات عمده‌ای را در فضای سیاسی کشور رقم زد.

در اکتبر ۲۰۲۲، لولا توانست در انتخاباتی نفسگیر، بولسونارو را شکست دهد و برای سومین بار کلید کاخ ریاست‌جمهوری را بدست آورد.

این رخداد، فراتر از یک تغییر دولت ساده، زلزله‌ای سهمگین در راهبردهای کاخ سفید و به‌ویژه شخص دونالد ترامپ و جریان نوحفاظه‌کار موسوم به «ترامپیسم» پدید آورد؛ امری که ریشه‌های آن را می‌توان در چهار مؤلفه راهبردی پی گرفت:

۱. **تسریع پروژه دلارزدایی و استحکام ساختار بریکس پلاس**: لولا داسیلوا بلافاصله پس از بازگشت به قدرت، تندترین مواضع را علیه هژمونی دلار آمریکا در تجارت جهانی اتخاذ کرد.

او در مراسم سوگند دیلما روسف، رئیس‌جمهور پیشین برزیل، به عنوان رئیس «بانک توسعه جدید بریکس» در شانگهای، صراحتاً گفت: «چرا همه کشورها باید تعهدات تجاری خود را با دلار تسویه کنند؟

چه کسی تصمیم گرفت بعد از ناپدید شدن پشتوانه طلا، دلار واحد پول جهان باشد؟». تحت هدایت لولا، برزیل توافق‌نامه‌های رسمی را برای تسویه مبادلات دوجانبه با چین بر پایه «یوآن» و «رئال» (واحد پول برزیل) امضا کرد و پیشنهاد تأسیس ارز مشترک آمریکای جنوبی با عنوان «سور» را برای مراودات منطقه‌ای پیش برد؛ برنامه‌ای بنیادین که ستون اصلی تحریم‌های خزانه‌داری آمریکا و ابزار سلطه اقتصادی غرب را نشانه می‌رود.

۲. **درهم‌شکستن زنجیره ائتلاف بین‌المللی راست افراطی**: برای دونالد ترامپ و اتاق فکر راهبردی جریان راست‌گرای بین‌المللی، انکار تغییرات اقلیمی و سرکوب دولت ژائیر بولسونارو یک جواهر بی‌بدیل در آمریکای جنوبی بود.

بولسونارو یست‌ها بازوی قدرتمند ترامپ برای مقابله با نهادگرایی بین‌المللی، انکار تغییرات اقلیمی و سرکوب جنبش‌های مردمی به شمار می‌رفتند.

لولا، نه‌تنها این دژ مستحکم ترامپیسم را در آمریکای لاتین فرو ریخت؛ بلکه پس از حمله هواداران تندرو بولسونارو به کاخ ریاست‌جمهوری و کنگره در ۸ ژانویه ۲۰۲۳ (که کپی‌برداری عینی از حمله ۶ ژانویه ۲۰۲۱ به کنگره آمریکا بود)، دست به تصفیه عناصر فاسد ارتش زد و ضربه‌ای مهلک به شبکه متحدان جهانی ترامپ وارد آورد.

۳. **پیوند راهبردی غیرقابل بازگشت با پکن**: در راهبرد دفاعی و امنیت ملی آمریکا، مهار نفوذ اقتصادی و فناورانه چین، اولویت‌ی راهبردی است. ما در حال‌که ترامپ به دنبال تحمیل تعرفه‌های سنگین و محاصره زنجیره تأمین پکن بود، لولا با کاروانی عظیم متشکل از صدها بازرگان، کارآفرین و... عازم چین شد و بیش از ۲۰ قرارداد کلان را امضا کرد.

برزیل حاضر شد ورود شبکه مخابراتی ۵جی شرکت چینی «هوآوی» را تحریم کند؛ اقدامی که حاکمیت فنی آمریکا در حیاط خلوت سنتی‌اش را درهم شکست.

پکن امروز بزرگ‌ترین شریک تجاری برزیل و سرمایه‌گذار اصلی در ذخایر لیتیموم و انرژی‌های تجدیدپذیر این کشور است؛ پیوندی عمیق که هیچ فشار سیاسی از سوی واشنگتن قادر به گسستن آن نیست.

۴. **سیاست خارجی چندقطبی و خنثی‌سازی تحریم‌های غرب**: دولت لولا به درخواست‌های مکرر آمریکا، آلمان و اتحادیه اروپا مبنی بر محکومیت یک‌جانبه روسیه و ارسال جنگ‌افزار و مهمات به اوکراین پاسخی منفی داد. او تصریح کرد: «برزیل کشوری صلح‌طلب است؛ ما در بازی ژئوپلیتیکی ناتو شرکت نمی‌کنیم و فشنگی برای طولانی‌تر کردن جنگ ارسال نخواهیم کرد». او همزمان در برابر سیاست‌های واشنگتن در حمایت بی‌قیدوشرط از رژیم صهیونیستی موضع گرفت؛ حملات به باریکه غزه را به درستی، مصداق جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی خواند، از شکایت آفریقای جنوبی در دادگاه لاهه اعلام حمایت و در نشست سران بریکس در ژوژوهایرگلا، با وجود فشارهای پشت پرده غرب، با پذیرش و ادغام رسمی ایران در جمع قدرت‌های عضو بریکس موافقت کرد.

■ **فرجام محتوا**

دوسده‌پس از انتشار دکترین استعماری جیمز مونرو، آتش به حیاط خلوت ظاهراً تسخیرناپذیر واشنگتن افتاده است. برزیل امروز دیگر آن مستعمره منزوی نیست که بتوان با یک تلگراف سفارت در رویا فرماندهی یک ناو هواپیمابر در پنتاگون، دولت‌های قانونی‌اش را سرنگون کرد. سرزمین پهناور آمازون با منابع حیاتی انرژی، ذخایر بی‌کران آب شیرین و زمین‌های حاصلخیز کشاورزی، دیگر تحقیر دست‌نشانده‌گی را برنمی‌تابد.

بازگشت لولا داسیلوا به قدرت، نماد تاریخی ایستادگی مردمان محروم آمریکای جنوبی در برابر سلطه اقتصادی و سیاسی قدرت‌های استعمارگر است. برخی تحلیلگران سیاسی و تاریخی معتقدند قدرت گرفتن دوباره لولا داسیلوا را باید به عنوان بخشی از گسست زنجیره قدرت ترامپیسم در حیاط خلوت آمریکا در نظر گرفت؛ اتفاقی که می‌تواند مقدمه‌ای برای تحولات راهبردی بعدی باشد.

روایت مهدی کاسبیان: از کودکی در مشهد تا سال‌ها فعالیت داوطلبانه برای پاکیزگی طبیعت

سیمرغ‌هایی که زمین را سبز می‌خواهند

عباسعلی سپاهی یونسی برای میهمان این هفته من مهدی کاسبیان، کوهنوردی فقط رسیدن به قله نیست؛ فرصتی است برای دیدن طبیعت، شناخت آسیب‌هایی که به آن وارد می‌کنیم و پذیرفتن مسئولیتی که در برابر محیط زندگی مان داریم. او از همان سال‌های دانشجویی با کوه و کوهنوردی آشنا شد. سال‌ها بعد، این علاقه با دغدغه محیط زیست پیوند خورد و به شکل‌گیری گروه «پاکبانان سیمرغ» انجامید؛ گروهی که اعضایش به‌جای پسندیدن کردن به توصیه‌های زیست محیطی، آستین‌ها بالا زده‌اند و در برنامه‌های متعدد پاک‌سازی طبیعت، جمع‌آوری زباله، تفکیک پسماند، کاشت نهال و آبیاری درختان مشارکت کرده‌اند. کاسبیان معتقد است مردم ظرفیت زیادی برای همراهی با کارهای داوطلبانه دارند؛ به شرط آنکه صداقت، شفافیت و استمرار را در عمل ببینند. آنچه در ادامه می‌خوانید، روایت او از خاطرات کودکی، نخستین تجربه‌های کوهنوردی و شکل‌گیری فعالیت‌های گروهی برای حفاظت از طبیعت است.

از زمین‌های خاکی مشهد تا دانشجویی در تهران

من متولد اول دی ماه ۱۳۳۶ در مشهد هستم. در خانواده‌ای نسبتاً پرجمعیت بزرگ شدم و خوشبختانه همه‌مان هنوز در قید حیات هستیم. دوران کودکی و نوجوانی‌ام در محله سعدآباد مشهد گذشت. تا گرفتن دیپلم در همان محله زندگی کردم و بخش زیادی از خاطرات کودکی‌ام به کوه‌ها و زمین‌های خاکی آنجا برمی‌گردد. مثل بسیاری از بچه‌های آن دوره، فوتبال یکی از سرگرمی‌های اصلی ما بود. در زمین‌های خاکی محله بازی می‌کردیم؛ زمین‌هایی که به تدریج با ساخت‌وساز از بین رفتند. البته جایی که ما فوتبال بازی می‌کردیم، خوشبختانه به ساختمان تبدیل نشد و شهرداری بعدها آنجا راه پارکی کوچک تبدیل کرد. چند سال پیش که همراه برادرم سری به محله قدیمی مان زدم، دیدن آن فضای سبز برایم خوشایند بود. خاطره زمین فوتبال هنوز در ذهنم بود.

پذیرفته شدم. برای ادامه تحصیل به



وقتی نام قله‌ها برایم رازآلود بود

با بسیاری از مقصدهای کوهنوردی، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در آن دوره، کوهنوردی هنوز مثل امروز فراگیر نشده بود. بیشتر کسانی که به این برنامه‌ها می‌آمدند، دانشجویها و افرادی بودند که از راه‌اندیشه یا جمع‌های محدود با کوه آشنا شده بودند. بسیاری از مردم، کوه رفتن را تفریحی غیرضروری می‌دانستند و ترجیح می‌دادند وقتشان را به شکل دیگری بگذرانند. به تدریج اما من به این فعالیت علاقه‌مند شدم و دیگر نتوانستم از جاذبه قله‌ها فاصله بگیرم.

کوهنوردی برای من فقط بالا رفتن از مسیر و رسیدن به نقطه‌ای مرتفع نبود. به مرور، همین رفت‌وآمدها موجب شد حساسیت من به محیط طبیعی بیشتر شود. در کنار لذت دیدن کوه، این پرسش هم برایم جدی تر شد که ما در برابر طبیعت چه مسئولیتی داریم و وقتی از آن استفاده می‌کنیم، چه چیزی از خودمان به‌جای می‌گذاریم.

وقتی به تهران آمدم، تازه با دنیای کوهنوردی آشنا شدم. مشهد آن روزگار، دست‌کم در تجربه شخصی من، فضایی نداشت که کوهنوردی به شکل گسترده در دسترس جوانان باشد. یادم می‌آید در مشهد از کوه چین کلاغ نام برده می‌شد و طبیعت کوهستانی اطراف شهر برای ما به همان محدوده‌ها خلاصه می‌شد. اما در دانشگاه تهران، روی تابلوها و اطلاعیه‌ها نام قله‌های مختلف را می‌دیدم؛ اسم‌هایی مانند توچال، مهرچال، کلکچال و قله‌های دیگر. برای جوانی که تازه از مشهد آمده بود، این اسم‌ها هم عجیب بودند و هم رمزآلود. اول نمی‌دانستم این برنامه‌ها دقیقاً چیست. از یکی از دوستانم پرسیدم و او توضیح داد گروهی از دانشجویها به کوه می‌روند و برای رفت‌وآمد و برنامه‌هزینه‌ای پرداخت می‌کنند. کم‌کم کنج‌کاوی‌ام به علاقه تبدیل شد. نخستین قله‌ای که از صعود به آن خاطره‌روشنی دارم، سنگ‌سیاه در محدوده درکه تهران بود. آن زمان همراه گروهی حدوداً ۲۰ تا ۳۰ نفر به برنامه رفتم. تجربه‌ای تازه بود. سنگ‌سیاه امروز در مقایسه

شکل‌گیری «پاکبانان سیمرغ»

سیمرغ» شکل گرفت؛ گروهی که هدفش برگزاری برنامه‌های عملی برای پاک‌سازی طبیعت و گسترش فرهنگ مسئولیت‌پذیری بود. قرار نبود کار را فقط به چند نفر محدود کرده یا صرفاً یک برنامه نمادین برگزار کنیم. می‌خواستیم به‌تدریج جمعی از افراد علاقه‌مند شکل بگیرد که بتوانند در برنامه‌های مختلف حضور داشته باشند و برای حفاظت از طبیعت کاری انجام دهند.

فعالیت گروه بر همین اساس شکل گرفت: جمع شدن، برنامه‌ریزی کردن، رفتن به محل، جمع‌آوری زباله و تلاش برای رساندن آن به مسیر مناسب دفع یا بازیافت. در کنار این کار، می‌خواستیم افراد بیشتری با مسئله روبه‌رو شوند. کسی که با چشم خودش می‌بیند چند نفر وقت می‌گذارند تا گوشه‌ای از طبیعت را تمیز کنند، شاید در رفتار خودش هم تجدیدنظر کند. گاهی یک اقدام ساده، بیشتر از یک سخنرانی طولانی اثر می‌گذارد؛ به‌خصوص وقتی تداوم داشته باشد و مردم ببینند این کار یک حرکت مقطعی و نمایشی نیست.

سال‌ها کوهنوردی کردم و در این مسیر با افراد و جمع‌های مختلفی آشنا شدم. حدود ۲۲ سال پیش، به انجمن کوهنوردان ایران پیوستم. حضور در این جمع‌ها سبب شد ارتباطم با کوهنوردان و کسانی که دغدغه طبیعت داشتند، گسترده‌تر شود و چند سال پیش با ایمان آذیش آشنا شدم که در کتاب «در جست‌وجوی آن» روزنوشت‌های صعودش به قله اورست را نوشته است. این آشنایی و گفت‌وگوها زمینه‌ای شد تا به این فکر کنیم که توجه به محیط زیست نباید فقط در حد حرف و توصیه باقی بماند. در جمع‌های کوهنوردی بارها گفته می‌شد که زباله‌ها در طبیعت رها نکنیم، آنچه با خودمان می‌بریم به شهر برگردانیم و مراقب محیط باشیم. این توصیه‌ها درست‌اند، اما پرسش ما این بود که اگر جایی از قبل پر از زباله شده باشد، چه باید کرد؟ آیا کافی است از کنار آن عبور کنیم و فقط به دیگران بگوییم زباله نریزند؟ یا می‌توانیم خودمان هم برای پاک کردن آن قسمت از طبیعت قدمی برداریم؟

به این نتیجه رسیدیم که باید از توصیه به عمل برسیم. به همین دلیل، سال ۱۴۰۳ گروه «پاکبانان



نخستین پاک‌سازی جدی

شهردار یا اعضای شورای محلی و مسئول مربوط به پسماند هم از برنامه مطلع شدند و به محل آمدند. برای ما مهم بود که این حرکت دیده شود؛ نه به این معنا که دنبال دیده شدن افراد باشیم، بلکه چون مسئله زباله و مدیریت آن به همکاری مردم و مسئولان نیاز دارد. پس از آن، برنامه‌های پاک‌سازی را در محدوده‌های نزدیک‌تر به تهران هم ادامه دادیم. گاهی مقصد، مسیرهای طبیعت‌گردی بود و گاهی ساحل یا نقاطی که زباله در آن‌ها انباشته شده بود. در یکی از برنامه‌ها به ساحل چالوس رفتیم و آنجا هم با حجم قابل توجهی از پسماند روبه‌رو شدیم. مسئله فقط زباله‌ای نبود که روی زمین یا ساحل دیده می‌شد؛ پرسش مهم‌تر این بود که زباله‌های جمع‌آوری شده پس از پایان برنامه به کجا می‌روند و چه سرنوشتی پیدا می‌کنند؟

در مجموع، تا زمان این گفت‌وگو ۳۸ برنامه برگزار کرده‌ایم. از این تعداد، حدود ۲۰ تا ۲۵ برنامه به پاک‌سازی اختصاص داشته و در بسیاری از برنامه‌ها حدود ۱/۵ تن زباله جمع شده است. بنابراین، مجموع زباله‌های جمع‌آوری شده در این برنامه‌ها به چند ده تن می‌رسد. این اعداد برآوردی اند و نمی‌خواهم آن‌ها را به‌عنوان آمار دقیق و قطعی اعلام کنم؛ نکته مهم‌تر برای من استمرار کار و ضرورت حل ریشه‌ای مسئله پسماند است.

یکی از نخستین برنامه‌های جدی ما در جاده جنگلی عباس‌آباد، در مسیر کلاردشت به عباس‌آباد برگزار شد. برای این برنامه گروهی حدود ۵۰ نفره از تهران با اتوبوس راه افتادیم. وقتی به محل رسیدیم، با حجم زیادی از زباله روبه‌رو شدیم. تصمیم گرفتیم از بخشی از مسیر شروع و حدود ۵ کیلومتر را پاک‌سازی کنیم. در ابتدا شاید تصور نمی‌کردیم کار تا چه اندازه زمان و انرژی از ما بگیرد، اما وقتی شروع کردیم، معلوم شد برای جمع کردن زباله‌ها باید با حوصله پیش برویم. در پایان برنامه، برآورد ما این بود که حدود ۱/۵ تن زباله جمع شده است. وقتی از دور به مسیری نگاه می‌کنید که پیش از پاک‌سازی پوشیده از زباله بوده و پس از چند ساعت دوباره زمین، سنگ‌ها و پوشش طبیعی آن دیده می‌شود، احساس خاصی پیدا می‌کنید. برای من، همین تفاوت میان پیش و پس از پاک‌سازی، یکی از لذت‌بخش‌ترین بخش‌های کار است.

در جریان آن برنامه، افرادی که از مسیر عبور می‌کردند، واکنش‌های مختلفی نشان می‌دادند. بعضی‌ها تعجب می‌کردند که چرا گروهی آمده‌اند تا زباله‌های رها شده دیگران را جمع کنند. بعضی‌ها تشویق و برخی نیز همراهی می‌کردند. مسئولان محلی از جمله

دشواری‌های خودش را داشت. اما همین مشارکت جمعی برای مایخشی از لذت فعالیت بود. فکر دیگری هم مطرح کردیم: هر کس می‌تواند هزینه کاشت یک نهال را بپردازد و پلاکی کوچک به نام خودش یا عزیز کی که می‌خواهد به او هدیه بدهد، روی آن نصب شود. ما نهال‌رامی کاشتیم یا فرد علاقه‌مند در کاشت آن مشارکت می‌کرد و در ادامه می‌توانست برای آبیاری و مراقبت هم به محل بیاید. این شیوه موجب می‌شد افراد احساس کنند در رشد یک درخت سهم دارند و رابطه‌شان با آن از یک کمک مالی ساده فراتر رود. از این راه، نزدیک به ۷۰ میلیون تومان جمع‌آوری شد که به‌خیریه «کودکان فرشته‌اند» در سیستان و بلوچستان اختصاص یافت؛ مجموعه‌ای که در زمینه فراهم کردن زیرساخت‌های آموزشی برای کودکان فعالیت می‌کند. من آن زمان در یکی از برنامه‌های کاشت حضور نداشتم، اما اعضای گروه دو نهال را به‌عنوان هدیه برایم در نظر گرفته بودند؛ یکی به نام خودم و دیگری به نام مادرم. این دو نهال را در فاصله‌ای نزدیک به هم کاشتند. هر وقت برای آبیاری می‌روم و نهال مادرم را می‌بینم، احساس خوبی دارم. رشدش را دنبال می‌کنم. از آن عکس می‌گیرم و برای خواهر و برادرهایم در مشهد می‌فرستم تا ببینند برگ داده و بزرگ‌تر شده است. برای من، این نهال فقط یک درخت نیست؛ پیوندی عاطفی با خانواده و یاد مادرم است. همین تجربه نشان می‌دهد وقتی مردم در یک کار خیر یا محیط‌زیستی مشارکت

می‌کنند، نتیجه آن می‌تواند معنایی شخصی و ماندگار هم پیدا کند. در برنامه جدید نیز برای کاشت ۱۵۰ نهال دیگر هماهنگی‌هایی انجام دادیم و شرکت «مهرگله» پذیرفت هزینه این کار را به‌عنوان حامی تأمین کند. بخشی از نهال‌ها با قیمت‌های مختلف به علاقه‌مندان معرفی و پول آن‌ها مستقیماً به حساب خیریه واریز شد تا شفافیت مالی حفظ شود. از مجموع ۱۵۰ نهال، نزدیک به ۱۰۰ نهال تا زمان گفت‌وگو فروخته شده بود. این همراهی برای من نشانه‌ای بود از اینکه مردم، اگر صداقت و تداوم کار را ببینند، آماده مشارکت‌اند. آرزوی من این است که روزی مردم در همه جاز زباله‌هایشان را از مبدأ تفکیک کنند. پسماندها به شیوه درست جمع‌آوری و بازیافت شوند و تصمیم‌های اساسی برای جلوگیری از آلودگی زمین، دریا، کویر، رودخانه و کوهستان گرفته شود. وقتی پس از چند ساعت پاک‌سازی به همان نقطه برمی‌گردیم و می‌بینیم سنگ‌ها، گیاهان و زیبایی خاک دوباره دیده می‌شوند، احساس می‌کنیم نتیجه کار، ارزش آن همه زحمت را داشته است. من دوست دارم همه جاذبه‌های منظره‌ای ببینیم؛ طبیعتی که زیر لایه زباله پنهان نشده باشد. برای رسیدن به این هدف، هم آموزش لازم است، هم مدیریت درست پسماند و هم مشارکت مردم. سهم ما در گروه پاکبانان سیمرغ این است تا جایی که توان داریم، این مسیر را ادامه داده و با عمل نشان دهیم حفاظت از طبیعت مسئولیتی مشترک است.

کاشت ۱۷۰ نهال

در کنار پاک‌سازی، پس از بررسی چند محل و مشورت با افراد آشنا با محیط طبیعی منطقه، محدوده‌ای در شمال تهران زیر قله چین کلاغ و نزدیک یک چشمه را برای کاشت نهال انتخاب کردیم. برای ما مهم بود که درختان و گیاهانی انتخاب شوند که با زیست‌بوم همان منطقه سازگار باشند؛ نه اینکه صرفاً تعداد زیادی نهال بکاریم و بعد آن‌ها را به حال خود رها کنیم. با راهنمایی کارشناسان، چند گونه مناسب برای آن محدوده انتخاب شد. در مجموع حدود ۱۷۰ نهال کاشتیم و نزدیک به ۱۵۰ نهال استقرار پیدا کرد. بخشی از نهال‌ها خشک شدند، اتفاقی که در کاشت نهال می‌تواند رخ دهد و به همین دلیل نباید کاشت را پایان کار دانست. اگر نهال پس از کاشت، آبیاری و مراقبت نشود، ممکن است زحمات اولیه از بین برود. ما از ابتدا می‌دانستیم دست‌کم در دو سال نخست باید رسیدگی به نهال‌ها را ادامه دهیم. پس از کاشت، دوباره اعضای گروه را برای آبیاری بسیج کردیم. در روزهایی که چشمه آب داشت، از همان آب استفاده می‌کردیم؛ اما با نزدیک شدن به پایان تابستان، آب چشمه کم‌شد و باید راه دیگری پیدا می‌کردیم. نمی‌توانستیم مخزن بزرگی در محل بگذاریم و مطمئن باشیم که باقی می‌ماند. در نهایت، هر کس چند بطری آب در کوله‌اش می‌گذاشت و آن‌ها را به محل نهال‌ها می‌رساند. اعضا با دست‌به‌دست کردن بطری‌ها، نهال‌ها را آبیاری می‌کردند. این کار

خبر

عضو شورای سیاست‌گذاری اجلاس‌یه بین‌المللی مجاهدان در غربت اعلام کرد

اندیشه‌های استکبارستیزی «امام شهید» محور یازدهمین اجلاس‌یه «مجاهدان در غربت»

یازدهمین اجلاس‌یه بین‌المللی «مجاهدان در غربت» روزهای ۱۱ و ۱۲ آبان ماه، با محوریت اندیشه‌های استکبارستیزی «امام شهید»، برگزار ی پنج پنل علمی و تجلیل از میدان‌داران مردمی، در جوار حرم مطهر رضوی برگزار می‌شود.

به گزارش آستان‌نیوز، حسین اکبری، عضو شورای سیاست‌گذاری اجلاس‌یه بین‌المللی مجاهدان در غربت با تشریح برنامه‌های این رویداد، گفت: اجلاس‌یه هر سال در تهران، دامغان و مشهد برگزار می‌شود و امسال نیز پس از برگزاری برنامه‌های تهران و دامغان، مشهد در روزهای ۱۱ و ۱۲ آبان ماه میزبان بخش دیگری از این رویداد خواهد بود.

وی با اشاره به انتخاب «امام شهید» به‌عنوان شعار اصلی اجلاس‌یه امسال، افزود: برنامه‌مشهد به‌دلیل تقارن زمان پیشین آن با چهلمین روز شهادت امام شهید (رحمت‌الله علیه)، به تاریخ اعلام شده موکول شد.

■ بررسی اندیشه‌های استکبارستیزی در پنج نشست علمی اکبری درباره برنامه‌های روز نخست، اظهار کرد: صبح یازدهم آبان ماه، افتتاحیه برگزار می‌شود و نیمه دوم روز به همایش علمی اندیشه‌های استکبارستیزی امام شهید (رحمت‌الله علیه) اختصاص دارد. مقالات متعددی به این همایش رسیده و موضوعات آن در پنج پنل تخصصی بررسی خواهد شد. عضو شورای سیاست‌گذاری اجلاس‌یه بین‌المللی مجاهدان در غربت ادامه داد: صبح دوازدهم آبان نیز از پرگزیدگان استان‌های مختلف که پس از شهادت امام شهید(ره) در عرصه‌های مردمی میدان‌داری کرده‌اند، تجلیل می‌شود.

وی از برپایی نمایشگاهی ویژه در کنار اجلاس‌یه خبر داد و گفت: در این نمایشگاه، اندیشه‌های استکبارستیزی امام شهید(ره) در تقابل با رژیم صهیونیستی و آمریکا تبیین می‌شود. همچنین جمعی از دانشجویان نخبه کشور که مدت‌ها درباره آمریکا و افول هژمونی آن پژوهش کرده‌اند، دستاوردهای علمی خود را در قالب پنل‌های تخصصی ارائه خواهند کرد.

■ ارائه گزارش نشست‌های علمی در اختتامیه

اکبری با اشاره به برگزاری اختتامیه در بعدازظهر دوازدهم آبان‌ماه، بیان کرد: در این مراسم، گزارش نشست‌های علمی ارائه و برنامه‌های تجلیل برگزار می‌شود.

وی تولید ادبیات علمی درباره نقش و حضور مردم پس از شهادت امام شهید(ره) را از اهداف این دوره برشمرد و افزود: تلاش داریم اندیشه‌ها و موضوعات مطرح شده در اجلاس‌یه، در قالب مباحث علمی، تبیین و صورت‌بندی شود.

اکبری با اشاره به پیوستگی زمانی این رویداد با ۱۳ آبان، روز ملی مبارزه با استکبار جهانی، تأکید کرد: برگزاری اجلاس‌یه در جوار مرقد مطهر امام رضا(ع)، فرصتی برای انتقال پیام استکبارستیزی و ارائه دستاوردهای علمی در این زمینه است.

به همت مرکز امور بانوان بنیاد کرامت رضوی انجام می‌شود

زنان سرپرست خانوار در مسیر مهارت آموزی

مرکز امور بانوان و خانواده آستان قدس رضوی با اجرای طرح «مادران ارزش آفرین»، زمینه رشد فردی، مهارت‌آموزی، اشتغال و حمایت از زنان سرپرست خانوار مشهد را دنبال می‌کند.

به گزارش آستان‌نیوز، معصومه باعدی، رئیس اداره اجتماعی مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی در گفت‌وگو با خبرنگار ما اظهار کرد: برنامه «مادران ارزش آفرین» با هدف توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و حمایت از مسیر رشد و خودکفایی خانواده آنان در مشهد اجرا می‌شود.

وی افزود: در این برنامه، زنان سرپرست خانوار دهک‌های یک تا چهار با حضور در جلسات تخصصی و آموزشی، از ظرفیت‌های حمایتی و توانمندساز مرکز امور بانوان و خانواده آستان قدس رضوی بهره‌مند می‌شوند.

■ آموزش، مهارت‌آموزی و حمایت از بانوان در مسیر توانمندسازی

رئیس اداره اجتماعی مرکز امور بانوان و خانواده آستان قدس رضوی ادامه داد: اقدام‌های طرح «مادران ارزش آفرین» شامل بخش‌های مختلفی از جمله جلسات انگیزشی، کارگاه‌های مهارت‌آموزی در رشته‌های مختلف شغلی، نشست‌های آشنایی با اصول کسب‌وکار، بازارچه‌های فروش ماهانه زمینه‌ساز اشتغال و حمایت‌های مالی و معنوی است.

اوقات شرعی به افق تهران

اتان ظهر	اتان مغرب	اتان صبح فردا
۱۱:۴۸	۱۷:۳۱	۵:۰۰
غروب خورشید	نیمه شب شرعی	طلوع فردا
۱۷:۱۲	۲۳:۰۶	۶:۲۴

اوقات شرعی به افق مشهد

اتان ظهر	اتان مغرب	اتان صبح فردا
۱۱:۱۵	۱۶:۵۸	۴:۲۷
غروب خورشید	نیمه شب شرعی	طلوع فردا
۱۶:۳۹	۲۲:۳۳	۵:۵۲

صاحب امتیاز: مؤسسه فرهنگی قدس

وابسته به آستان قدس رضوی

مدیرعامل و مدیر مسئول: علی یعقوبی

سرمدبیر: سید محسن اسدی

آدرس دفتر مرکزی مشهد: بولوار سجاده، نبش سجاد ۱۴-۱۱-۳۷۶۸۵ (۰۵۱)

تلفن:

• صندوق پستی:

• دفتر تهران: بولوار کشاورز، بین کارگر و چمآزاده، شماره ۳۳۶

• تلفن:

• شماره:

• ارتباطات مردمی:

• امور مشترکین:

• روابط عمومی:

• شماره سردبیر:

• سازمان آگهی‌ها:

• پیامک:

• سفارشات چاپی:

• چاپ مشهد:

• چاپ همزمان تهران:

۹۱۷۳۵ - ۵۷۷

۰۵۱) ۳۷۶۸۴۰۰۴ - ۳۷۶۱۰۰۸۷

۰۵۱) ۳۷۰۸۸ - ۳۷۶۸۲۰۰۵

۰۵۱) ۳۷۶۱۰۰۸۵

۰۵۱) ۳۷۶۷۶۵۹۶

۰۵۱) ۳۷۶۱۰۰۸۶

۰۵۱) ۳۷۶۱۸۰۴۴-۵

با همکاری تشکل‌های مردمی و آستان قدس رضوی، حدود ۲۰۰ نفر از سالمندان و توان‌یابان از مناطق حاشیه شهر مشهد به زیارت امام هشتم(ع) نائل شدند

زیارت و تجلی ارادت «در پناه رئوف علیه‌السلام»



نیمه دهقانی - عکاس رضوی

برای این میهمانان ویژه تدارک دیده شده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا مهدی‌نژاد در این مراسم با بیان مواردی در زمینه آداب زیارت می‌گوید: با توجه به موارد مندرج در اذن ورود (دخول) حرم مطهر امام رضا(ع) زائران به زنده و حاضر بودن مقام امام هشتم(ع) اعتراف می‌کنند، بنابراین باید در همه جا و به ویژه در حرم مطهر امام هشتم(ع) خود را در محضر امام معصوم(ع) بدانیم و از انجام اعمال، رفتار و گفتار خلاف شأن ساحت مقدس رضوی پرهیز کنیم. همچنین باید در زیارت، به مقام امامت و عصمت اهل بیت(ع) اعتراف کرده و باور قلبی داشت و شکرگزار این نعمت یعنی زیارت ولی خدا بود.

وی ادامه می‌دهد: شما امروز میهمانان ویژه امام هشتم(ع) هستید. بدون اذن و اجازه حضرت رضا(ع) کسی نمی‌تواند توفیق زیارت این بارگاه مقدس را پیدا کند. تلاش کنید با عمق جان و نیت خالص با امام رئوف(ع) ارتباط برقرار کنید. خود را در محضر امام رضا(ع) بدانید و اهمیت و ارزش لحظات حضور در این بارگاه مطهر را قدر بدانید.

سخنران این مراسم تأکید می‌کند: در سلام دادن به حضرت رضا(ع) باید با ایشان عهد و پیمان مجدد ببندید و تا جایی که می‌توانید زیارات مأثوره مانند جامعه کبیره، امین‌الله و... را در حرم مطهر بخوانید. زیارت جامعه کبیره یک دوره امام‌شناسی است و اگر نمی‌توانید این گونه زیارات را بخوانید، با زبان خودتان با حضرت رضا(ع) صحبت کنید و مطمئن باشید امام هشتم(ع) صحبت‌های شما را می‌شنوند و از نیات دل شما آگاه هستند.

حجت‌الاسلام مهدی‌نژاد یادآور می‌شود: در این روز چهارشنبه و در این زیارت گروهی و دسته جمعی، حاجات خود را از امام رئوف(ع) بخواهید و با برقراری ارتباط قلبی با ساحت مقدس حضرت رضا(ع)، سعادت و عاقبت به خیری در دنیا و آخرت در پرتو ولایت الهی و ولایت حضرات معصومین(ع) را از محضر ایشان طلب کنید.

گفتنی است، قرائت گروهی و دسته جمعی زیارت امین‌الله، خواندن نماز زیارت، قرائت زیارت وداع، شرکت در نماز جماعت ظهر و عصر، حضور در محل رواق دارالذکر حرم مطهر رضوی و زیارت مزار مقدس رهبر شهید(ره) و تجدید عهد و پیمان با قائد شهید امت اسلام حضرت آیت‌الله العظمی شهید سیدعلی حسینی خامنه‌ای(ره)، بازدید از موزه مرکزی حرم مطهر رضوی، حضور در یکی از چایخانه‌های بارگاه مطهر رضوی و... از دیگر برنامه‌های تدارک دیده شده برای این میهمانان ویژه در برنامه زیارتی «در پناه رئوف(ع)» بود.

است به علت بیماری، ضعف جسمانی و مشکلات حرکتی نتوانسته‌ام به زیارت حرم مطهر امام هشتم(ع) نائل شوم. امروز خداوند به من و دوستانم لطف کرد و به برکت امام هشتم(ع) توانستم با کمک مجریان و عوامل دلسوز اجرای این طرح، به زیارت امام رضا(ع) مشرف شوم. خیلی خوشحالم‌که در روز چهارشنبه امام رضایی، به این سعادت نائل شدم. دلم واقعاً برای حرم امام رضا(ع) پر می‌زد.

محسن جاودان مهر، جانباز روشندل از اهالی بولوار طبرسی، محله طبرسی ۴۳ است که به کمک دوستان و خانواده‌اش در این طرح حضور دارد. او با چشم دل امام رضا(ع) را زیارت می‌کند. در حالی که اشک شوق می‌ریزد، می‌گوید: هر چند با چشم ظاهر نمی‌توانم حرم مطهر رضوی را ببینم، اما حضور در این بارگاه مطهر و تنفس در هوای حرم منور امام رضا(ع)، خود سعادت بزرگی است که باید قدرش را بدانیم. طیبه فاطمی، بانوی هفتاد و یک ساله از محله بولوار کشاورز از منطقه بولوار، شصت و شش ساله از محله چندین ماه بود به علت دردی و مشکلات دیگر جسمی در ناحیه مفصل پا نمی‌توانستم به زیارت امام رضا(ع) نائل شوم. امروز این توفیق را دوباره خداوند به برکت امام رئوف(ع) به من و دیگر دوستانم عنایت کرد. خیلی خدا را سپاسگزارم. از امام رضا(ع) هم ممنونم، ان‌شاء‌الله خداوند به بانیان این طرح جزای خیر عنایت کند. خداداد خوشیخت، پیرمرد هفتاد و دو ساله از محله بهمن، منطقه خواجه‌ربیع در حالی که روی صندلی چرخ‌دار نشسته است با روی خوش از یکی از خادمان حرم مطهر تقاضا می‌کند یک مفتاح برایش بیاورد تا بتواند زیارت‌نامه بخواند. از حس و حالش می‌پرسم و او می‌گوید: امروز چهارشنبه و روز زیارتی امام هشتم(ع) است. هر چند که به‌علت مشکلات جسمانی در ناحیه‌پا قادر نیستم به‌تنهایی به زیارت بیایم، اما جان‌ودلم سرشار از ولایت و محبت امام رضا(ع) است. از جوانان و مردم می‌خواهم قدر سلامتی خود را بدانند و فرصت زیارت امام هشتم(ع) را از دست ندهند. ای کاش می‌توانستم هر روز به زیارت حرم مطهر مولا امام رضا(ع) بیایم.

■ تجلی ارادت در پناه رئوف(ع)

حدود ساعت ۱۰ صبح میهمانان و دعوت‌شدگان به طرح زیارتی «در پناه رئوف(ع)» در رواق دارالحجّه(عج) حرم مطهر رضوی مستقر می‌شوند. با همکاری معاونت تبلیغات اسلامی حرم مطهر، ویژه‌نامه فرهنگی با عنوان «تجلی ارادت» شامل بیان آداب زیارت، قرائت دسته جمعی زیارت امین‌الله، ذکر توسل به حضرت رضا(ع) و...

مداحی یکی از مدیحه‌سرایان حرم مطهر رضوی در طول مسیر تشرّف، دل‌ها را متوجه ساخت مقدس امام رضا(ع) کرده و بسیاری از زائران و مجاوران به این گروه از میهمانان خاص امام هشتم(ع) التماس دعای مخصوص می‌گویند.

■ حرف‌هایی از عمق جان تقدیم به امام دل‌ها

در ادامه تهیه این گزارش با چند نفر از این میهمانان ویژه امام رئوف(ع) هم‌کلام می‌شویم. شیرعلی اکبرزاده هشتاد و سه ساله، از محله بولوار کشاورز، منطقه بولوار توس می‌گوید: به‌علت مشکلات حرکتی و ضعف بینایی حدود یک سال است نتوانسته‌ام به زیارت حرم مطهر نائل شوم. از شب گذشته که با من تماس گرفتند و فهمیدم امروز میهمان حرم مطهر آقاچان امام رضا(ع) هستم، در پوست خود نمی‌گنجم. از مسئولان اجرای این طرح نهایت تشکر را دارم. خدا را شکر یک بار دیگر به زیارت مولا امام هشتم(ع) آمدم.

ابراهیم احمدی روش، شصت و شش ساله از محله یوسف‌زاده‌واقع در منطقه خواجه‌ربیع نیز اظهار می‌کند: من مطابق گواهی پزشکان از کارافتاده‌شدم و از مشکلات قلبی، بینایی، ضعف بدنی و... رنج می‌برم. به علت بیماری‌های مختلف حدود سه سال است از توفیق زیارت بارگاه مطهر امام رضا(ع) محروم بودم تا اینکه دیشب به‌من خبر دادند اسم من هم در طرح زیارتی «در پناه رئوف(ع)» نوشته شده و با کمک دوستان می‌توانم به زیارت حرم مطهر نائل شوم. خیلی خوشحالم و از ته قلب از خدا و امام رضا(ع) ممنونم. وی در حالی که اشک می‌ریزد رو به مرقد مطهر حضرت رضا(ع) کرده و می‌گوید: یا امام رضاچان، دیگر با پای خود نمی‌توانم به زیارت بیایم. از شما ممنونم که یک بار دیگر سعادت زیارت حرم مطهرتان را نصیب من و دوستانم کردید.

سلاطین نظری، بانوی هفتاد ساله از محله جماران و منطقه بولوار طبرسی، از دیگر مجاوران مشهدی حاضر در این طرح زیارتی است. او بیان می‌کند: هنوز باورم نمی‌شود که در حرم مطهر امام رضا(ع) هستم. به علت کهولت سن و بیماری‌های مختلف، به تنهایی قادر به تشرّف به حرم مطهر نیستم. امروز انگار خداوند یک انرژی و توان دیگری به من داده است. از امام رضا(ع) ممنونم که پس از مدتی طولانی، دوباره مرا به حرم مطهرشان دعوت کرده‌اند. از مسئولان و مجریان این طرح بسیار ممنونم.

محمدعلی پهلوان نود ساله، ساکن محله ولی‌عصر(عج) از منطقه شهرک شهید باهنر است. وی در حالی که اشک بر گونه‌هایش جاری است، می‌گوید: حدود ۶ماه

محمدحسین مروج کاشانی | بارگاه مطهر امام

هشتم(ع) در چهارشنبه‌های امام رضایی، حس و حال خاص خود را دارد. خیلی از زائران و مجاوران این آستان مبارک دوست دارند بر اساس یک باور قلبی و اعتقادی، زائر چهارشنبه‌های امام رضایی بارگاه امام ثامن و ضامن(ع) باشند. هرچند نگاه امام رضا(ع) مرز نمی‌شناسد؛ نگاه امام مهریانی‌ها برای همه است، برای هر دلی که با امیدقدم به حرم منور می‌گذارد. روز گذشته و در یک چهارشنبه امام رضایی دیگر، مطابق برنامه‌ریزی انجام شده و در برنامه زیارتی با عنوان «در پناه رئوف(ع)» حدود ۲۰۰نفر از سالمندان، توان‌یابان و... از مناطق کم‌برخوردار و حاشیه شهر مقدس مشهد که به دلایل مختلف از قبیل ضعف جسمانی و یا مشکلات حرکتی قادر نیستند به‌تنهایی به زیارت امام‌هشتم(ع) نائل شوند، به زیارت حرم منور حضرت رضا(ع) مشرف شدند. این برنامه با محوریت اداره تسهیلات زائرین، از واحدهای زیرمجموعه معاونت خدمات زائرین حرم مطهر رضوی، با همکاری معاونت‌های اماکن متبرکه و تبلیغات اسلامی حرم منور امام هشتم(ع) و با همراهی و همکاری برخی از تشکل‌ها و گروه‌های مردمی مناطق حاشیه شهر مشهد برگزار شد.

■ ورود به بهشت از باب الکاظم(ع)

حدود ساعت ۹صبح اتوبوس‌های مجاوران بارگاه مطهر امام هشتم(ع) از مناطق گوناگون حاشیه شهر مشهد مانند محله‌های مهرمادر، بهمن، یوسف‌زاده و... از منطقه خواجه‌ربیع؛ محله‌های کشاورز، خین‌عرب و شهید فهمیده از بولوار توس؛ محله جماران و محله طبرسی ۴۳ از منطقه بولوار طبرسی، منطقه شهرک شهید باهنر، محله حر و... به قسمت شرقی حرم مطهر امام رضا(ع) یعنی ورودی باب الکاظم(ع) می‌رسند. با دیدن بارگاه مطهر رضوی، اشک شوق در چشمان سالمندان، توان‌یابان و... جمع می‌شود؛ آنان مجاورانی هستند که برخی از آن‌ها ماه‌ها و سال‌ها نتوانسته‌اند با وجود همجواری با حرم مطهر امام مهریانی‌ها به زیارت این قطعه از بهشت نائل شوند.

خدمه و خادمیاران بارگاه منور رضوی به استقبالشان می‌روند و آنان که نیاز به کمک بیشتر دارند را روی صندلی چرخ‌دار می‌نشانند. برداران و خواهران خدمه و خادمیار حرم مطهر رضوی با روی گشاده و در نهایت ادب و احترام به آنان خوشامد گفته و بوی خوش عود و اسپند، حس و حال خاصی به مسیر تشرّف آنان از ورودی باب‌الکاظم(ع) تا صحن کوثر، باب‌السلام و سپس تشرّف به سوی رواق دارالحجّه(عج) می‌دهد.

آگهی

مناقصه

سازمان عمران و نگهداری حرم مطهر رضوی

درنظر دارد تعداد ۲۴ آیتم تجهیزات سیستم اعلام و اطفاء حریق اتوماتیک گازی را از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید ، لذا متقاضیان می توانند تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۳ ضمن هماهنگی با دبیر خانه سازمان (تلفن :۳۱۳۰۵۲۴۴-۰۵۱) و مراجعه حضوری به نشانی : مشهد - خیابان شهید اندرزگو- حرم مطهر - ورودی باب الجواد (ع) - طبقه فوقانی فروشگاه رضوی واحد دبیر خانه نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.



وزارت شهرسازی و معماری

"آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای"



وزارت بهداشت

ارائه خدمات بهداشتی درمانی در مراکز و پایگاههای سلامت تحت پوشش معاونت بهداشتی خود را به بخش خصوصی واگذار نماید. کلیه مراحل بر گزار ی مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و باز گشایی پاکت ها از طریق در گاه سامانه تدار کات الکترونیکی دولت(سناد) به نشانی اینترنتی **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد.
* مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه: تا ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۷ لغایت ساعت ۱۹ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۱.

* مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: از ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۲ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۱.

* مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۰۰۰/۰۰/۳۷۱۵/۰۰ ریال بصورت ضمانتنامه بانکی یا وار یز وجه نقد
* شرایط شرکت کنندگان: شر کت های بهداشتی درمانی و خدماتی دارای مجوز تایید صلاحیت از اداره کار در زمینه موضوع مناقصه با ظرفیت آزاد و نیز دارای گواهی تایید صلاحیت ایمنی پیمانکار و دارای مجوز و تایید صلاحیت از کمیسیون ماده ۴ معاونت درمان باشد.

روابط عمومی و امور بین الملل دانشگاه علوم پزشکی سبزوار